

سومین هفته دور جدید جنگ شهرها

در هفته گذشته:

- * بیش از ۲۰ شهر ایران هدف حمله هوایی قرار گرفتند.
- * چند هزار خانوار عزادار شدند
- * صدها خانه ویران شد
- * رفسنجانی جنایتکار اعلام کرد جنگ برای رژیم برکات زیادی داشته است

هفته گذشته فاجعه "جنگ شهرها" به اوج خود رسید. هر دو رژیم ایران و عراق منتهای ددمنشی و کینه حیوانی خود را نسبت به افراد بی‌پناه شهرها و روستاها به نمایش نهادند و جنایات بی‌شماری آفریدند.

سومین هفته جنگ شهرها با حمله عراق به ۱۴ شهر و شهرک ایران آغاز شد. جمهوری اسلامی نیز بدون وقفه شهرهای مرزی عراق را زیر آتش نوبخانه گرفت. در روز یکشنبه ۱۹ خرداد تهران، ایلام، سردشت، قزوین، اصفهان، باختران، همدان، اسلام-آباد غرب و آبادان مورد حمله هوایی قرار گرفتند. در

بقیه در صفحه ۴



دوشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۶۴ برابر ۱۷ ژوئن ۱۹۸۵
بها ۴۰ ریال - سال دوم - شماره ۶۱

جنگ ایران و عراق باید پایان یابد

فراخوان ۷ حزب و سازمان سیاسی هندوستان

۷ حزب و سازمان سیاسی هندوستان با صدور فراخوانی خواستار قطع فوری جنگ ایران و عراق شدند. این احزاب عبارتند از:

- حزب کمونیست هند
- حزب کمونیست هند (مارکسیست)
- گروه سراسری پیشرو
- حزب سوسیالیست انقلابی
- لاکدال
- حزب جانانا
- حزب کنگره

متن فراخوان احزاب مترقی هندوستان را فداییان خلق ایران (اکثریت) - هندوستان، سازمان حزب توده ایران - هندوستان و جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین - هندوستان نیز امضا کرده اند.

از سوی احزاب و سازمان‌های فوق‌نامه‌ای برای رئیس‌جمهور هندوستان، آری بی. واسو، و در آن ضمن برشمردن فجایع جنگ بر لزوم تشدید کوشش‌ها جهت پایان بخشیدن به جنگ تأکید شده است. در این نامه تلاش برای اجرای خواسته‌های زیر مطرح گردیده است:

- ۱- توقف هر چه سریع‌تر بمباران مناطق مسکونی
 - ۲- آتش‌بس در تمامی جبهه‌های جنگ
 - ۳- شروع مذاکرات برای پایان دادن به این جنگ بی‌ثمر و ویرانگر
- مواضع مشترک احزاب بزرگ هندوستان در بقیه در صفحه ۲

در این شماره:

به مناسبت شصت و پنجمین سالگرد بنیانگذاری حزب کمونیست ایران

کمونیستها، مدافعین پیگیر حقوق ملی خلقها

در صفحه ۹

مصاحبه با "هربرت ایتکر" عضو کمیته مرکزی

حزب کمونیست ایالات متحده

در صفحه ۱۰

گزارشی از اهواز:

شهری جنگ زده و بلاکشیده

شهری بی‌خاسته در صفحه ۶

مبارزه در راه صلح را گسترش دهیم!

رد پیشنهاد آتش از سوی رژیم جمهوری اسلامی بازم مردم شهرهای ایران را کشتار خواهد کرد و سرکردگان رژیم خمینی در همان حال شعار نفرت انگیز "جنگ، جنگ تا پیروزی" را تکرار می‌کنند.

رژیم جمهوری اسلامی که اینک از هر زمان دیگری، ناتوان‌تر شده است اکنون با گسترده‌ترین مخالف توده‌ای روبروست. انزجار توده‌های میلیونی مردم به ویژه در این مرحله از جنگ ژرفش و گسترش هر چه بیشتری یافته است. دیگر نفرت از جنگ با چنان جلوه‌های پرشمودی ابراز می‌شود و با چنان خشمی همراه شده است که سرکردگان دروغ‌پرداز رژیم را هم توان انکار همه آن‌ها نیست. اما آن‌ها که همه هست و نیست شان را در گرو سرانجام این جنگ نهاده‌اند و سرتاپای وجودشان را عفونت این جنگ گرفته است هم چنان می‌کوشند، راهی برای تداوم این جنگ بیابند. با تشدید تبلیغات و نمایشات جنگ طلبانه، غلبه بر موج بالنده اعتراض توده‌ای را جستجو می‌کنند.

بقیه در صفحه آخر

روز جمعه دیکتاتور سفاک عراق اعلام داشت که برای دو هفته بمباران شهرهای ایران را متوقف می‌کند. از فردای آن روز بمباران شهرها و مناطق مسکونی کشور ما قطع گردیده است. آیا بدین ترتیب می‌توان امید داشت که دور دوم جنگ شهرها پایان گرفته باشد. آیا پایان دور دوم جنگ شهرها هنوز می‌تواند نوید بخش پایان جنگ باشد؟

رژیم جمهوری اسلامی کسی پس از اعلام این خبر، در سحرگاه روز شنبه یک بار دیگر بغداد را به موشک بست و بیرامون عملیاتی زمینی سروصدا برپا کرد که گویا در جبهه هویزه صورت پذیرفت. این اقدام و تداوم تبلیغات‌ها جنگ طلبانه از سوی طرفین نشان داد که قطع دور دوم جنگ شهرها تا چه حد شکننده است.

دو رژیم که همه توان خود را صرف انهدام و ویرانی دو کشور و کشتار مردم کرده‌اند، از هم اکنون نشان می‌دهند که باتوقف جنگ شهرها در جستجوی فرصت برای ترمیم توان از دست رفته‌شان می‌باشند. رهبر رژیم عراق اعلام داشته است که در صورت



مرک، ویرانی، آوارگی و فلاکت حاصل جنگ طلبی‌های رژیم خمینی

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

جنگ ایران و عراق باید پایان یابد

بقیه از صفحه اول

فراخوان حزب و سازمان سیاسی هندوستان

حکومت جنگ ایران و عراق، در مطبوعات این کشور بازتاب گسترده ای یافت. تنها در ایالت راجستان روزنامه های راجستان پاتریکا، زندگی نو و نوجیوتی به درج متن نامه این احزاب به رئیس کنفرانس کشورهای غیرمتعهد پرداختند.

☞ هفته نامه هندی زبان "نیازمانه" نیز با درج اعلامیه مشترک جوانان فدایی خلق ایران (اکثرت) در هند و هواداران حزب توده ایران - هندوستان پیرامون ضایعات و خسارات جنگ، توجه افکار عمومی این کشور را به جنایات رژیم های صدام و خمینی جلب کردند.

☞ ابراز همبستگی اتحادیه و تشکل های صنفی اقشار گوناگون مردم هندوستان با مردم ایران ادامه دارد. آخرین آن از سوی اتحادیه عمومی کارمندان بیمه منطقه شمال هندوستان در ادیپور ایالت راجستان بود. این اتحادیه با صدور بیانیه ای ضمن محکوم کردن جنگ میان ایران و عراق و ابراز نگرانی نسبت به بمباران شهرها و مناطق مسکونی، به تشریح وضعیت زنان در کشور پرداخت.

نامه اعتراضی کمیته تدارک جشنواره جهانی جوانان در سولت:

به جنگ و اختناق در ایران پایان دهید!

از سوی کمیته سوئدی تدارک جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان، اعتراض نامه ای خطاب به علی خامنه ای، رئیس جمهور ایران صادر گشت. این کمیته از نمایندگان جوانان بیش از ۲۰ سازمان و حزب فعال در سوئد از جمله جوانان حزب کمونیست چپ، سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری، جوانان حزب میانه، جوانان حزب دمکرات مسیحی و... تشکیل شده است. متن اعتراض نامه این کمیته که برای مطبوعات نیز ارسال شده به شرح زیر است:

"ما اعضا کمیته سوئدی آمادگی برای برگزاری دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان، سال ۱۹۸۵ در مسکو، عمیقاً نگران اخبار واصله و همچنین اختناق و حشتناکی که در کشور شما حکم فرماست می باشیم. هر روزه اخبار تازه ای از نقض حقوق بشر از جانب رژیم شما به گوش می رسد. دستگیری و اعدام میهن پرستان و دگراندیشان همچنان ادامه دارد. تعقیب و پیگرد نیروهای مترقی و آزادی خواه مانند سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت)، حزب توده ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران هر روز شدیدتر می گردد. حقوق اقلیت های ملی به ویژه خلق کرد به شدیدترین شکل پایمال می گردد.

شمار زندانیان سیاسی ایران به ده ها هزار می رسد که در این میان بسیاری را جوانان و زنان تشکیل می دهند. ما از شرایط وحشتناکی که در سیامچال های رژیم شما حکم فرماست آگاه هستیم. شکنجه و اعدام های مخفیانه از پدیده های روزمره این زندان ها به شمار می روند.

با وجود نتایج اسفباری که جنگ با عراق برای کشور ببار آورده است و با وجود خواسته مردم

☞ در شهر امئوسوئد در روز ۲۱ ماه مه یک حرکت اعتراضی علیه رژیم ایران انجام یافت. در این حرکت که تحت عنوان "از مبارزات خلق ایران برضد ارتجاع حاکم حمایت نمایید" اعلامیه های توضیحی در میان مردم پخش شد و سخنانی در مورد مصائب جنگ، وضعیت زنان، خفقان و پیگرد و شکنجه نیروهای انقلابی و فشار طاقت فرسای کرانی و بی خانمانی در ایران ایراد شد.

مردم جهان خواهان قطع فوری جنگ

ایران و عراق هستند

از سوی "اتحادیه دفاع از حقوق و آزادی خلق ها" در ایتالیا، جلسه ای در رابطه با جنگ ایران و عراق در شهر میلان تشکیل شد. در این جلسه که با حضور جمیع کثیری از ایرانیان و نیروهای مترقی از سایر کشورها برگزار گردید، سخنرانی های متعددی انجام یافت. "پروفسور کوئیدووالا برکا" متخصص در تاریخ کشورهای آسیا و آفریقا در دانشگاه بلونیا ضمن سخنان خویش به زمینه های ادبی در تاریخ ایران در مبارزه با تاریک اندیشی و ارتجاع پرداخت و از حافظ و خیام به عنوان پیش بردندگان افکار مترقی و ضد خرافه و جهل نام برد.

از سوی "کمیته ایران - عراق برای صلح" نیز نمایندگان به تشریح روند جنگ و نتایج آن پرداختند.



در پایان این اجلاس، "اتحادیه دفاع از حقوق و آزادی خلق ها" قطع نامه ای در مورد جنگ ایران و عراق صادر نمود. که در بخش هایی از آن آمده است:

"اعلام می داریم که: - جنگ سیمای بسیار کربیهی پیدا کرده است. به کواهی مکرر سازمان عفو بین المللی به ابتدایی ترین موازین مصوبه کنفرانس ژنو و اعلامیه حقوق بشر تجاوز می شود.

- تعداد بسیاری از زندانیان سیاسی به خاطر عقاید آزادیخواهانه و دمکراتیک خود زیر شدیدترین و غیر قابل تصورترین شکنجه ها قرار گرفته اند.

- در این موقعیت غیر قابل پذیرش، کشور ایتالیا به جای پیشبرد مقاصد صلح طلبانه، تجارت تسلیحات نظامی با ایران و عراق را در پیش می گیرد. از دولت های ایران و عراق می خواهیم که: - فوراً بمباران های مراکز مسکونی را قطع کنند.

- برای خاتمه جنگ و احترام به حقوق هریک از دو کشور راه حل سیاسی دنبال شود.

ایران مبنی بر صلح، رژیم شاهمانند رژیم عراق به این جنگ خانمانسوز که به زودی پنج سال از آغاز آن می گذرد ادامه می دهد. بر طبق منابع خبری بین المللی تنها طی آخرین حمله ای که صورت گرفت. قریب ۲۰ هزار ایرانی جان خود را از دست دادند. بسیاری از کشته شدگان را کودکانی به سن و سال مدرسه تشکیل می دادند.

حملات هوایی و موشکی به مردم غیر نظامی و استفاده از سلاح های شیمیایی چه از جانب رژیم شما و چه از جانب رژیم عراق جنایات بزرگی علیه بشریت و نقض قوانین بین المللی محسوب می شوند.

ما رژیم شما را مسئول مستقیم نقض همه جانبه حقوق بشر در ایران و شریک در مسئولیت ادامه جنگ خونین ایران و عراق می دانیم و دارای خواسته های زیر می باشیم:

۱- آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی.

۲- پایان دادن به پیگرد علیه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت)، حزب توده ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران و سایر نیروهای مترقی و آزادی خواه ایران.

۳- پایان دادن به جنگ خانمان سوز ایران و عراق و حل اختلافات فی مابین از طریق صلح آمیز بر طبق موازین و مقررات بین المللی.

1985 - ۳ - ۴



STOP

戦争 1977-1978

死亡者 300,000人

負傷者 1,500,000人

戦争被災者 3,000,000人

منتهی از فعالیت های انتشاراتی هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت) در ژاپن. در این تراکت که تلفات و ضایعات جنگ ایران و عراق به زبان ژاپنی ذکر شده پایان دادن به جنگ ایران و عراق خواسته شده است.

نگاهی به تناسب هزینه های جاری و عمرانی در جمهوری اسلامی

هزینه ها و اعتبارات بودجه شامل دو بخش اعتبارات جاری و عمرانی است. در حال حاضر، بخش اعظم بودجه کشور اختصاص به هزینه های جاری دارد که شامل مجموع هزینه های پرسنلی، خدماتی و مدیریت می شود. در مقابل رشد بی رویه هزینه های جاری طی سالیان اخیر، هزینه ها و اعتبارات عمرانی سیر نزولی داشته است. در واقع عدم تناسب بین هزینه های جاری و هزینه های عمرانی (سرمایه گذاری ثابت)، از شاخص های اصلی ضد ملی و ضد مردمی بودن سیاست حاکم است. عدم توازن بین این دو بخش هزینه ها را یکی از نمایندگان مجلس چنین تشریح می کند:

"در رابطه با سرمایه گذاری ثابت (هزینه های عمرانی) که ۲۹ درصد بودجه را تشکیل می دهد... وقتی ما به این صورت بودجه را هزینه می کنیم که ۱۰۷۱ میلیارد ریال متعلق به سرمایه گذاری ثابت و ۲۵۶۷ میلیارد ریال متعلق به هزینه های جاری است، این امر ما را به کدام جهت خواهد برد؟... آیا سیاستهایی که ما را به طرف عدم وابستگی ببرد؟" (جمهوری اسلامی - ۶۲/۱۲/۱۵)

همانگونه که مشهود است، در لایحه بودجه سال ۶۴، مبلغ ۱۰۷۱ میلیارد ریال یعنی ۲۹ درصد کل پرداختها، صرف "عمران" و مبلغ ۲۵۶۷ میلیارد ریال یعنی ۷۱ درصد صرف جنگ، صرف هزینه ارگانهای سرکوب، تبلیغات، خدمات و حقوق پرسنل شبکه تودر توی ادارات و وزارتخانه های دولتی میشود. البته بدیهی است که از همان بودجه عمرانی نیز، بخش قابل ملاحظه ای صرف مصارف جنگی و حتی مسافرتی ادارای، می شود. در بحث بر روی لایحه تأسیس وزارت صنایع سنگین، آشکارا اعلام شد که هزینه های عمرانی این وزارتخانه، صرف تأسیس صنایع نظامی می شود. بخش مهم بودجه عمرانی وزارت راه صرف ایجاد جاده های نظامی در مناطق جنگی و کردستان می شود. بخشی از بودجه عمرانی به این اختصاص داده شده است که مناطق تازه ای از کشور زیر پوشش صدای سیمای جمهوری اسلامی قرار گیرد. هزینه های عمرانی که برای گسترش بنادر و فرودگاهها در نظر گرفته شده است در حقیقت تماما هزینه های نظامی است و... به این ترتیب هزینه های عمرانی واقعی چنان ناچیز است که قابل صرف نظر کردن است.

اعتبارات و هزینه های جاری، همه ساله بخش اعظم در آمد حاصل از فروش نفت و مالیاتهای اخذ شده را به خود اختصاص میدهد. در جدول (۱) قیاس بین بودجه جاری و درآمد غیر نفتی کشور طی سالیان ۵۸ الی ۶۲ ارائه شده است:

از جدول (۱) می توان در یافت که علاوه بر درآمدهای غیر نفتی، بخش قابل ملاحظه ای از درآمدهای نفتی کشور صرف هزینه پرسنلی و اداری می شود؛ و این به معنای این است که دولت جمهوری اسلامی برای پیر کردن چاه و پیل هزینه های خود، منابع طبیعی و ثروتهای ملی کشور را بر باد میدهد تا ریخت و پاشهای افسانه ای دیوانخانه ولایت فقیه را تأمین نماید. هزینه جاری و مخارج دستگاه بوروکراسی در رژیم منغور شاه چنان سنگین بود که

تحمل آن برای اقتصاد کشور غیر ممکن شده بود. رژیم جمهوری اسلامی بجای کاستن از این هزینه های غیر قابل تحمل، بر تعداد دستگاه های حکومتی و به تبع آن بر مقدار هزینه های جاری افزود. و این حقیقت چیزی نیست که حتی سران جمهوری اسلامی قادر به انکار و لاپوشانی آن باشند:

"در بودجه جاری یک رشد بوروکراسی ۲ برابر بعد از انقلاب را می بینیم... چه لزومی داشت که اینهمه وزارتخانه در سطح کشور افزوده شود، که نیاز به اینهمه معاون و کارمند داشته باشد." (کیهان هوایی - ۶۲/۱۲/۱۵)

و یا:

"دستگاهها و ارگانهاییکه بعد از انقلاب وارد بودجه کل کشور گردیده و عمدتاً کمیته انقلاب، امور اعداد امام، سازمان تبلیغات، سپاه پاسداران، طرح شهید رجایی، جهاد سازندگی، دادستانی انقلاب و سایر نهادهاستیکه در سال ۵۸ ردیف بودجه گرفته اند، معادل ۲۰/۷ میلیارد ریال بود... ملاحظه می شود بودجه نهادها که در آغاز انقلاب یک درصد هزینه های کل بودجه را داشت بارشد سالیانه ۶۴ درصد به ۸ درصد هزینه ها در سال ۶۲ بالغ گردیده است." (جمهوری اسلامی - ۶۲/۱۲/۱۵)

چنانکه ملاحظه می شود، روبش قارچ گونه ارگانهای سرکوب، نهادهای تبلیغی و... سالیانه بخش عظیمی از درآمدهای دولتی را بکام خود می کشند

در جدول (۲)، مقایسه هزینه ها و اعتبارات دستگاه دولتی بین سالهای ۵۵ و ۶۲ به تفکیک موارد، ارائه شده است.

همانگونه که از جدول (۲) بر می آید، توزیع هزینه ها تحت حکومت جمهوری اسلامی، از اوضاع اسف بار پیشین بمراتب اسف بارتر شده است. هزینه های پرسنلی ۲۵۰ درصد افزایش یافته، حال آنکه هزینه های سرمایه ای بیش از ۵۵۰ درصد کاهش یافته است.

اما در مقابل هزینه های کلان جاری، بودجه عمرانی طی سالیان اخیر به مراتب کاهش یافته است. در سال ۵۶ مبلغی که تحت عنوان بودجه عمرانی منظور شده بود، معادل ۴۲ درصد کل اعتبارات بود که امروزه به ۲۹ درصد تقلیل یافته است. طبق مفاد برنامه پنجساله اول "عمرانی" کشور، پیش بینی شده بود که هزینه های عمرانی در سال ۶۴ بالغ بر ۱۷۴۹ میلیارد ریال گردد، حال آنکه در لایحه بودجه سال ۶۴ تحت این عنوان فقط مبلغ ۱۰۷۱ میلیارد ریال اختصاص یافته است، که حدود ۴۰ درصد از پیش بینی برنامه کمتر است. تازه طبق آمارهای رسمی در هیچ سالی مبلغ مقرر شده مصرف نمی شود. هر ساله از این مبلغ، مقدار قابل توجهی، تحت عنوان "صرفه جوئی" به خزانه بازگشت داده می شود.

"با همه توری که از خرج کردن بودجه های عمرانی در کشور ایجاد شده است (؟!)، بترتیب ۲۴۸ میلیارد و ۱۵۰ میلیارد و ۹۶ میلیارد ریال برگشتی از بودجه های عمرانی در سالهای ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ داریم." (کیهان هوایی - ۶۲/۱۲/۱۵)

حکام جمهوری اسلامی که صدها میلیارد ریال

برای مقاصد جنگی و انتظامی و سرکوبگرانه خود صرف می کنند، طبیعتاً باید از بودجه عمرانی صرفه جوئی کرده و برکشتی هم داشته باشند. مسئولین جمهوری اسلامی صریحاً اعلام می کنند که بودجه مسکن و شهرسازی از ۹۰ میلیارد ریال به ۵۰ میلیارد ریال در سال ۶۴ کاهش یافته است. معنی این کار چیست؟

"معنی اش این است که ما می خواهیم آن بخش از کارهایی را که وزارت مسکن انجام می داد و این قبیل کارها را به خود مردم واگذار کنیم." (کیهان هوایی - ۶۲/۱۲/۱۵)

آقای بانکی وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه نیز اعلام می کند که بخشی از بودجه ۴۵ میلیارد تومانی مورد نیاز، آموزش و پرورش را بایستی از محل کمکهای مردم تأمین کرد. بهداشت و دیگر مسائل عمرانی هم بماند. تنها کفایت همین چند قلم هزینه را با بودجه شهربانی و ژاندارمری مقایسه کرد:

"در سال ۵۶ و ۵۷ که از بحرانی ترین دورانهای طاغوت بود و مسائل دفاعی خیلی برای او مهم بود بودجه جاری شهربانی ۲۱ تا ۲۹ میلیارد ریال بود. اما در سال ۶۲، این مقدار به ۵۷ میلیارد میرسد، یعنی حدود ۲ برابر، بودجه ژاندارمری در سالهای ۵۶ و ۵۷، ۲۷ تا ۲۹ میلیارد ریال بود، اما در سال ۶۲، ۷۲ میلیارد ریال و در سال ۶۴، ۷۷ میلیارد ریال بیش بینی شده است." (کیهان هوایی - ۶۲/۱۲/۱۵)

اقدام فوق تنها نمونه هائی از تاراج سرمایه های ملی توسط سرمداران خیانتکار جمهوری اسلامی است که کشور ما را غنیمتی جنگی و مفتوحه تلقی می کنند

جدول شماره ۱:

قیاس هزینه جاری و درآمد غیر نفتی کشور (واحد: میلیارد ریال)

سال	مبلغ درآمد غیرنفتی	مبلغ هزینه جاری
۵۸	۱۵۰۱/۹	۵۷۴/۱
۵۹	۱۱۸۲/۷	۴۵۹/۹
۶۰	۲۰۳۱/۴	۷۶۰
۶۱	۲۲۰۲/۶	۸۲۸/۲
برآورد سال ۶۲	۲۶۷۲	۱۰۶۰
بیشترین برای سال ۶۲	۲۶۰۱	۱۷۷۰

(این جدول بر اساس ارقام بودجه و آمار مندرج در کیهان ۶۲/۱۲/۲۴ تنظیم شده است.)

جدول شماره ۲:

اعتبارات دستگاه دولتی در سالهای ۵۵ و ۶۲ (واحد: درصد)

هزینه ها	۱۳۵۰	۱۳۶۳
هزینه های پرسنلی	۲۰	۶۲
هزینه های اداری	۲۸/۰	۲۶/۰
هزینه های سرمایه ای	۳۹/۱۴	۷/۰۳
پرداخت های انتقالی	۱/۹۱	۴/۸۸

(جمهوری اسلامی - ۶۲/۱۲/۱۵)

از رویدادهای ایران

سومین هفته دور جدید جنگ شهرها

این روز خیرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد که هواپیماهای عراقی به یک اردوگاه آوارگان کرد در آذربایجان غربی نیز حمله کرده اند که در جریان آن ۷۸ نفر کشته و ۱۲۰ نفر زخمی شده اند.

در روز دوشنبه ۲۰ خرداد بنا به اطلاعیه ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ۲۱ شهر و شهرک عراق از جمله حلبچه، سیدصادق، خرما، شانه در، سوریان، میدان، خانقین، دوشیخ، مندلی، بصره و آلزبیر زیر آتش مداوم توپخانه‌های جمهوری اسلامی بودند. در ساعت ۱۸/۴۵ دقیقه این روز به وقت محلی، یک موشک زمین به زمین در بغداد فرود آمد. به دنبال پرتاب این موشک، ستاد تبلیغات جنگ جمهوری اسلامی اعلام کرد شهرهای مرزی عراق بی‌وقفه کلوله باران خواهند شد و دیگر شهرهای عراق هدف موشک و بمباران‌های هوایی قرار خواهند گرفت.

در این روز آبادان، پاره، ایلام، ملکشاهی، اطراف همدان، باختران و خرم آباد هدف حمله هواپیماهای عراقی بودند. بنا بر خبر رسمی رژیم ایران که با واقعیت خیلی فاصله دارد بر اثر این حملات در آبادان ۱۲ نفر و در پاره ۱۴ نفر کشته شدند. در مورد تلفات در شهرهای دیگر خبری، انتشار نیافت.

در روز سه شنبه ۲۱ خرداد برای بیست و چهارمین بار در دور جدید جنگ شهرها، تهران هدف حمله هواپیماهای عراقی که سه فروند بودند، قرار گرفت. علاوه بر تهران، شهرهای قزوین، آبادان، ایلام، کاشان، همدان، دزفول، اندیمشک، ملکشاهی و دو پادگان رباط و سردشت نیز بمباران شدند. به باختران نیز حمله موشکی شد که اعلام گردید بر اثر آن حداقل ۸ نفر کشته شده اند.

در این روز میرحسین موسوی، نخست وزیر اعلام کرد که اگر جنگ ۲۰ سال هم طول بکشد، جمهوری اسلامی به آن ادامه خواهد داد. روزنامه الثورة ارکان حزب بعث عراق نیز نوشت بمباران شهرهای ایران همچنان ادامه خواهد یافت.

در روز سه شنبه همچون روزهای پیش، بصره و بسیاری از شهرها و شهرک‌های مرزی عراق زیر آتش مداوم توپخانه جمهوری اسلامی بودند.

در روز چهارشنبه نیز پرتاب توپ و خمپاره بر روی این شهرها ادامه یافت. در شب چهارشنبه جمهوری اسلامی در جبهه شمال غربی یک عملیات نفوذی محدود انجام داد.

در ساعت ۱۰/۲۰ صبح این روز یک هواپیما عراقی به تهران حمله برد که جمهوری اسلامی مدعی شد بر اثر پدافند هوایی، ضمن شکستن دیوار صوتی، متواری گشت و بمب‌های خود را در اطراف کاشان فرو ریخت. در این روز همچنین به اصفهان، رامهرمز، بانه، باختران و دو بار به آبادان حمله شد. خرمشهر نیز همچون روز پیش زیر آتش توپخانه عراق بود.

در نیمه‌های شب ۵ شنبه ۲۲ خرداد هواپیماهای عراقی به تهران در دو نوبت و به فاصله ۴ دقیقه حمله کردند. خیرگزاری جمهوری اسلامی تعداد تلفات این حمله را ۲ کشته و ۲ مجروح اعلام کرد. قزوین نیز معزمان با تهران بمباران شد.

روز ۵ شنبه هواپیماهای عراقی به ۶ شهر دزفول، کرند، خرمشهر، مریوان، درود و باختران حمله کردند. جمهوری اسلامی نیز در این روز به صورت بی‌وقفه بصره و ۱۸ شهر و شهرک مرزی عراق را زیر آتش توپخانه گرفته بود.

رفسنجانی در این روز اعلام کرد که در جنگ شهرها عراق بیشتر آسیب می‌بیند. او بایک شادی حیوانی اعلام کرد روزی ۲۰۰ کلوله توپ به جانب بصره شلیک می‌شود و ۱۸ شهر مرزی دیگر عراق نیز هر آن منتظر کلوله هستند.

در این روز همچنین رژیم از زبان سرپرست ستاد تبلیغات جنگ اعتراف کرد که خیرهایی که در رابطه با تلفات بمباران‌ها، به طور رسمی انتشار می‌یابند صحت ندارند.

در روز جمعه ۲۴ خرداد بمباران مناطق مسکونی ایران به نحو بی‌سابقه‌ای افزایش یافت. رژیم در این روز که آن را روز قدس می‌نامد بر تبلیغات جنگ طلبانه خود افزود و مدعی شد در تهران یک راهپیمایی ۵ میلیونی! به نفع تداوم جنگ، به راه انداخته است، رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه تهران که به دنبال این راهپیمایی برگزار شد بر تداوم جنگ تا سقوط صدام تاکید کرد و گفت جنگ برای تقویت حکومت برکات زیادی داشته است.

در روز جمعه دوبار هواپیماهای عراقی به تهران حمله بردند. علاوه بر تهران، شهرهای قزوین، زنجان، همدان، نهاوند، خرم آباد، اصفهان و قم هدف حملات هوایی و شهرهای مسجد سلیمان، دزفول، اندیمشک، رامهرمز، خرم آباد، بروجرد، باختران و اسلام آباد غرب هدف حملات موشکی قرار گرفتند.

تعداد کشته‌شدگان و مجروحین حملات موشکی تنها در چهار شهر مسجد سلیمان، دزفول، اندیمشک و رامهرمز چند ساعت بعد از حمله ۲۷ نفر کشته و ۲۰۰ نفر زخمی اعلام شد. در این روز در حالی که بوق‌های تبلیغاتی رژیم دم به دم زوزه می‌کشیدند و شعار "جنگ، جنگ، تایپروزی" سر می‌دادند چندین هزار خانوار در شهرهای مختلف عزادار گشتند.

جمهوری اسلامی در روز جمعه همچنان به کلوله باران شهرهای مرزی عراق ادامه داد و در شب شنبه در منطقه هویزه عملیاتی را با عنوان "عملیات قدس" آغاز کرد که در روز شنبه حول آن سروصدای زیادی راه انداخت و مدعی شد که تا ۶ کیلومتری جاده بصره - بغداد پیشروی کرده است.

در روز جمعه صدام جنایتکار اعلام کرد که برای ۱۵ روز از حملات هوایی به شهرهای ایران خودداری می‌کند.

در سه‌گانه روز شنبه ۲۵ خرداد جمهوری اسلامی یک موشک زمین به زمین به جانب بغداد پرتاب کرد که طیف گزارش خبرگزاری‌ها خسارت زیادی به بار آورده است.

رییس ستاد تبلیغات جنگ :
اخبار دروغ به نفع مردم است

جمهوری اسلامی، از انتشار خبرهای مربوط به بمباران‌های هوایی، مناطق بمباران شده و میزان تلفات و خسارات وارده خودداری کرده و در این مورد گزارش‌های دروغین پخش می‌کند. کمال خرازی سرپرست ستاد تبلیغات جنگ، در روز ۵ شنبه ۲۲ خرداد این امر را به نفع مردم اعلام کرد و گفت: جنگ‌های روانی شیوه‌های خاص خود را دارند. از شیوه‌های جنگ روانی یکی این است که اخبار صحیح انتشار نیابد. به نفع مردم است که اخبار صحیح را نداشته باشند!

رفسنجانی در دیدار روز ۱۶ خرداد با عده‌ای از پاسداران محافظ مجلس، علت عدم ذکر محل دقیق مناطق بمباران شده را به طور ضمنی ترس از ازدحام مردم و تظاهرات علیه رژیم دانست. وی گفت، مخالفین به مناطق بمباران شده می‌روند و مردم را تشویق می‌کنند "علیه مسئولین و پاسدارها" شعار دهند.

تأثیر دست‌خامنه‌ای

بر روی لایحه انتخابات رئیس‌جمهوری

مجلس شورای اسلامی لایحه انتخابات رئیس‌جمهوری را به تصویب رساند. ماده ۲۵ این لایحه به یکی از شرایط انتخاب شوندها برای احراز مقام ریاست جمهوری اختصاص دارد. معمولاً در زمره شرایط انتخاب شوندها، شرط صحت و سلامت جسمی نیز گنجانده می‌شود. اما در این مورد مشخص ذکر کلی این شرط ممکن بود برای رییس‌جمهوری فعلی به خاطر علل بزود دستش، مساله آفرین باشد. به همین جهت نمایندگان مجلس این شرط را به صورت مشخصی در آورند، تا از حجت‌الاسلام خامنه‌ای رفع مساله شود.

این شرط در ماده ۲۵ به این صورت قید شده است: "سلامت جسمی در حد برخورداری از نعمت بینایی و شنوایی و گویایی و توانایی در حد ایفای وظایف ریاست جمهوری".

موسوی نخست‌وزیر :
کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری نیستم

میرحسین موسوی در مصاحبه‌ای که با روزنامه جمهوری اسلامی ۱۹ خرداد به عمل آورد، اعلام کرد که قصد ندارد خود را کاندیدای انتخابات رئیس‌جمهوری کند. آن بخش از مصاحبه مذکور که نخست‌وزیر جمهوری اسلامی این مطلب را اظهار داشته است، چنین است:

"س - شایعاتی درباره کاندید شدن شما جهت احراز مقام ریاست‌جمهوری به راه افتاده و به طرز مرموزی دامن زده می‌شود. اگر در این رابطه مطلب خاصی دارید، لطفاً بیان کنید.

ج - بنده، هرگز چنین قصدی نداشته‌ام و این شایعه به هر دلیل که منتشر شده باشد، ریشه‌ای ندارد."

ترس جان و شکایت از مردم

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در دیدار با ده ای از زنان پاسدار محافظه مجلس در روز ۵شنبه ۱۶ خرداد به تفصیل در مورد اهمیت حفظ جان مسئولین جمهوری اسلامی سخن گفت. وی تاکید کرد که "حفاظت اماکن و مراکز و افراد جمهوری اسلامی، باید کاملاً جدی گرفته شود."

وی در این دیدار به مردم تاخت که چرا از کنترل و نطفیش، ناراضی هستند. رفسنجانی در این مورد خطاب به محافظین زن مجلس گفت: "اساساً کار کشتن و نطفیش با اعصاب انسان سروکار دارد. مردم ما عادت نکرده اند و با این که چندسال از انقلاب گذشته، هنوز نمی خواهند جلوی راهشان را بگیرند و مظلشان کنند."

ادامه درگیری بین

حزب دمکرات کردستان ایران و کومه له

درگیری بین پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران و نفرات مسلح کومه له که با نقض آتش بس بین این دو نیرو و از سوی کومه له در تاریخ ۶ بهمن ماه سال گذشته آغاز شده بود، همچنان ادامه دارد.

آخرین بولتن های خبری حزب دمکرات حاکمی از آنند که در روز ۹ اردیبهشت، در منطقه بوکان، در روز ۱۱ اردیبهشت در منطقه مهاباد، در روز ۱۸ اردیبهشت در جنوب کردستان، در روز ۲۲ اردیبهشت در مرکز کردستان، و در روزهای ۲۰ و ۲۱ اردیبهشت مجدداً در جنوب کردستان، بین پیشمرگان دمکرات و نفرات کومه له درگیری هایی به وقوع پیوسته که در مواردی بسیار شدید بوده اند. اکثر این درگیری های دنیال کمین گذاری افراد کومه له برای پیشمرگان حزب دمکرات آغاز شده اند.

حزب دمکرات در چند گفتار رادیویی شریبا خود را برای آتش بس و مذاکره با کومه له اعلام داشته است اما کومه له این شریبار در کرده است.

لایحه ارزی سال ۶۴

کلیات لایحه ارزی سال ۶۴ کشور به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسید. براساس این لایحه در طول سال جاری حداکثر ۱۵ میلیارد دلار ارز در اختیار دولت قرار می گیرد که از سوی کمیته تخصیص ارزی در دستگاه های مختلف تقسیم می شود.

تبصره ۴ این لایحه نشان می دهد که ذخیره ارزی دولت نه کشیده و دولت ماه به ماه دریافت های وزارت نفت را تحویل گرفته و به مصرف می رساند. در این لایحه مقوله ارز کاملاً مترادف با فروش نفت است.



تشدید بهره کشی از کارگران

افزایش شدت کار و یا افزودن بر ساعات کار روزانه در کارخانه های کشور به روش عمومی مدیران دولتی بدل شده است. نمونه هایی از آن را در زیر منعکس می نمایم.

* در روز ۲۱ بهمن در کارخانه ایران ناسیونال به کارگران یکی از قسمت های کارخانه گفته شد که باید در هر شیفت یک ساعت اضافه کاری نمایند و در مقابل آن معادل دو ساعت پاداش تولید دریافت کنند. کارگران شیفت صبح، پس از مشاوره با یکدیگر این پیشنهاد را رد کرده و تن به اضافه کاری ندادند. اما در شیفت بعد از ظهر سرپرستها با تلمیح و تهدید موفق به پیشبرد منظور خود گردیدند.

بدنیال آن مدیریت بر آن شد که این طرح را در قسمت دیگر کارخانه هم پیاده نماید. اما با مخالفت عمومی کارگران روبرو گردید. مدیریت برای تلمیح و فریب کارگران پیشنهاد کرد، در ازای هر ساعت اضافه کار معادل ۴ ساعت پاداش تولید پرداخت شود. این پیشنهاد نیز مورد قبول کارگران واقع نشد. مدیریت سپس به تهدید کارگران پرداخت. نماینده کارگران در پاسخ تهدید و اخطار مدیریت به مواد قرار داد استخدام اشاره نمود و این پیشنهاد را غیر قانونی نامید. او پاسخ کارگران را بازگو کرد که در صورت ادامه تهدید و فشار، از ساعات کارکنونی هم کاسته خواهد شد.

مدیریت برای در هم شکستن یکپارچگی کارگران، دست به جابجایی عده ای از کارگران شیفت صبح زد. ولی نتیجه این کار خلاف انتظار مدیریت بود. کارگران جابجا شده دست به کم کاری زدند. دیگر کارگران نیز با حفظ یکپارچگی زیر بار اجحاف مدیریت نرفتند و همه کارگران شیفت صبح و عصر در کل کارخانه از انجام اضافه کاری خودداری کردند. در برابر قاطعیت کارگران، مدیریت ناچار به عقب نشینی و حذف اضافه کاری اجباری گردید.

* در کارخانه ترانس پیک مدیریت کارگران را به انجام اضافه کاری اجباری وادار کرده است. شدت کار نیز افزایش یافته است و کارگران را تا آخرین لحظات شیفت، سرکار نگه میدارند. کارگران به شدت به این وضعیت معترضند. مدیریت در برابر آن تنها مشتکی تهدید را ردیف می کند.

* در کارخانه شرفاژ کار با افزایش شدت کار، تولید را تا میزان ۱۲۰ تن چدن در روز افزایش دادند. کمیته انضباطی کارخانه با دقت ویژه ای بر انجام کار شدید نظارت می نماید.

* در کارخانه دارو پخش با افزایش شدت کار می-کوشند کارگران کمتری، حجم تولید را افزایش دهند. در کارخانه دیسپلین سربازخانه ای را تحمیل کرده اند. از تجمع کارگران در ساعات بیکاری جلوگیری می نمایند. حتی وقتی که تولید به خاطر قطع برق سرتاسری متوقف می شود، سیستم کاردستی را جایگزین می کنند.

* در کارخانه استارلایت با افزایش شدت کار، فشار طاقت فرسایی به کارگران تحمیل کرده اند. بگونه ای که تحمل آن خارج از توان کارگران است. به همین خاطر چندی پیش ۵ تن از کارگران یکی از قسمت ها دست از کار کشیدند. آنها بین ۴ تا ۱۰ سال سابقه کار داشتند. سرپرستی کوشید با دادن مقدار مختصری پاداش آنان را به ادامه کار وادار. اما آنان نپذیرفتند و ادامه کار را مشروط به کاستن شدت کار نمودند. این خواسته آنان از پشتیبانی دیگر کارگران نیز برخوردار بود. از اینرو سرپرستی به ناچار وعده پذیرش آن را داد.

سقوط تولیدات صنعتی

در همان حال که برای افزایش تولید، فشار بر کارگران در کارخانه های کشور به حد طاقت فرسایی رسیده است، بسیاری از کارخانه ها نیز بدلیل گوناگون در شرف تعطیلی هستند. به اخبار کوتاهی در این زمینه توجه کنید.

* کارخانه فیلکو چندی قبل به مدت سه ماه تعطیل شد و کارگران را به مرخصی اجباری بدون حقوق فرستادند. پس از آن کارگران این کارخانه را به دو گروه دسته بندی کردند. یکی از این دو گروه در روزهای فرد هفته و گروه دیگر در روزهای زوج هفته کار می کند.

* کارخانه مالیل با اینکه از وضعیت تولیدی مساعدی برخوردار است، اما با وجود این دچار مشکلات مالی جدی شده که ادامه تولید را به مخاطره انداخته است. زیرا دو مشتری اصلی تولیدات این کارخانه نیروی دریائی و وزارت نیرو هستند. آنها هم بخاطر عدم دریافت بودجه پیش بینی شده، از پرداخت مطالبات این کارخانه ناتوان هستند.

* کارخانجات بسیار دیگری نیز از قبیل سایپا، زامیاد، ولوو و مزدا دچار افت تولید شده اند.

طرد انجمن اسلامی

در روزهای ۲۹ و ۳۰ بهمن ماه مجمع عمومی کارگران شیفت صبح کارخانه فیات تهران، با حضور ۲۰۰ کارگر برگزار گردید. این جلسه به خواست کارگران و برای زمینه سازی انتخابات جهت گزینش اعضای هیئت مدیره تعاونی مصرف کارگری این کارخانه برپا شده بود. اعضای انجمن اسلامی و بویژه رئیس آن که مسئول کارگزینی این واحد تولیدی نیز هست، کوشیدند کارگران را وادار نمایند که از انجام انتخابات منصرف شوند. اما تلاشهایشان بیجائی نرسید و در روز پنجم اسفند انتخابات انجام شد. اعضای انجمن اسلامی در این روز سعی کردند نمایندگان واقعی کارگران برگزیده نشوند. بخصوص مدیر امور اداری که از اعضای این باند است، مستقیماً در نحوه رای گیری دخالت و اعمال نفوذ می کرد. با وجود این نتوانستند کاندیداهای خود را در میان ۶ تن از کسانیکه حائز آرای بالاتری بودند، جای دهند. کارگران افراد مورد نظرشان را برگزیدند.

گزارشی از اهواز:

شهری جنگ زده و بلاکشیده شهری پیا خاسته

اهواز شهری است جنگ زده، محروم و بلاکشیده. هیچ نقطه‌ای از خاک میهن مانیت که از ستم رژیم سیاه خمینی مصون باشد، همه به یکسان زیر ستمند، اما آنچه که جمهوری اسلامی بر سر کشور آورد، در اهواز نمود ویژه‌ای دارد. جنگ، سرکوب، فقر و محرومیت؛ اهواز از همه جلوه‌های ستم رژیم خمینی، نصیب می‌برد.

سرکوب مردم و نیروهای انقلابی در اهواز زودتر از بسیاری دیگر از شهرها آغاز شد. آخرین این که نفتگران، این اهرم قوی انقلاب را می‌بایست از صحنه می‌رانند و مگر نه این که می‌بایست سیاست به تاراج دادن نفت در رژیم شاه راه چنان پی می‌گرفتند؟ نفتگران عدتا در خوزستان متمرکزند و مرکز خوزستان اهواز است. بنابراین بیهوده نبود که رژیم از همان آغاز قدرت گیری، شاه‌مهره‌های خود را بر خوزستان گمارد و آنها بلافاصله سرکوب را آغاز کردند.

حکومت نظامی در اهواز

ارگانهای سرکوب، دم به دم بر شدت وحدت اختناق در اهواز و دیگر شهرهای خوزستان افزودند، تاجایی که عملاً از سال ۶۱ به بعد در اهواز حکومت نظامی برقرار شد. این سخن را مانمی‌گوییم، این اعتراف نمایندگان اهواز در مجلس رژیم است. در جریان استیضاح ناطق نوری وزیر کشور در آبان‌ماه سال ۶۲ آشکار شد که اداره شهرهای خوزستان و مشخصاً اهواز به دست یک شورای نظامی که اعضای اصلی آن عبارتند از مسئولین سپاه پاسداران، استاندار، امام جمعه، حاکم شرع و دادستان، سپرده شده است. سرپرستی این شورای نظامی را عنصری فوق ارتجاعی به نام موسوی جزایری بر عهده دارد که امام جمعه اهواز و نماینده خمینی در منطقه است. او همان کسی است که در سال ۶۲ به نمایندگی از سوی رژیم جمهوری اسلامی به آمریکا رفت و با برخی از مقامات آمریکایی مذاکراتی انجام داد.

فواد کریمی نماینده اهواز در جلسه استیضاح ناطق نوری اعلام کرد: امپریالیسم آمریکا می‌خواست در خوزستان حکومت نظامی برپا کند و هم اکنون شورای نظامی استان به رهبری امام جمعه و استاندار چنین می‌کند و

"جیره کابل" دارند. برابین شکنجه‌ها، بیماری‌های مختلف نیز برای آزار زندانیان اضافه می‌شود. در زندان های اهواز کمتر کس است که از بیماری‌های پوستی و بویژه کال رنج نبرد.

جنگ، فقر و محرومیت

خوزستان، جنگ زده‌ترین استان کشور است. جنگ به فقر ریشه‌دار در این استان نفت خیز و زرخیز کشور، ابعاد وحشتناکی داده است. گرانی و کمبود، فقر و گرسنگی را تا سطح اقشار متوسط نیز سرایت داده است. اهواز اکنون یکی از "گران‌ترین شهرهای کشور محسوب می‌شود. خیل عظیم نظامیانی که در این شهر اطراق کرده و با مرتب در حال عبور از آن هستند بر ابعاد گرانی و کمبود به شکل سرسام آوری افزوده است.

اهواز تابلوی کاملی از فلاکت و جنگ زدگی است. ویرانی، فقر، بی‌خانمانی، اعتیاد، فساد و همه عوارض جنگ و حاکمیت جمهوری اسلامی به وضوح در اهواز به چشم می‌خورند.

ورشکستگی اقتصادی رژیم دم به دم بر دامنه فقر و محرومیت مردم می‌افزاید. رژیم مدتی است سیاست اخراجهای دسته جمعی را پیش گرفته است. تنها در اسفند ماه ۷۰۰ نفر از سازمان آب و برق استان، ۶۰۰ نفر از صنایع فولاد اهواز و ۴۰۰ نفر از کارخانه نورد اهواز اخراج شدند.

در چهار ماهه آخر سال گذشته شرکتهای وابسته به سازمان گسترش صنایع اهواز به دلیل ورشکستگی اقتصادی دولت نتوانستند حقوق کارکنان خود را پرداخت کنند. به کارکنان صنایع فولاد اهواز نیز در فروردین ماه امسال حقوقی پرداخت نشد. همین امر موجب بروز اعتراضات چشمگیری شد که در میان کارکنان خانه سازی، منجر به اعتصاب موفقی گشت. دولت به همه کارخانه های تحت پوشش خود دستور داده است مطلقاً در سال جاری از استخدام کارگر و کارمند خودداری کنند و با لغو قرارداد خود با کارکنان روزمزد و کارکنان قراردادی همه آنها را اخراج نمایند. در پی این دستور ضد کارگری دولت بود که در اسفند ماه سال گذشته ۶۰۰ نفر و در سه ماهه اول امسال ۲۰۰ نفر از صنایع فولاد اهواز اخراج شدند. اکنون شکل اخراج در صنایع فولاد اهواز به این صورت است که هر روز به ۱۵ الی ۲۰ نفر می‌گویند که کارت ورود نزنند و برای تصفیه

بگیر و ببندهای دائمی، آدم ربایی، اعدام‌های لاینقطع و زندان‌هایی با بیش از ۲۰۰ زندانی سیاسی. زندان‌های اهواز از بازداشتگاه‌های موقت کمیته و سپاه گرفته تا زندان کارون، آنچنان مملو از زندانی هستند که در جریان تظاهرات اخیر خلق عرب و دیگر اهالی اهواز علیه رژیم، ارگان‌های حکومتی سرگردان بودند که بازداشتی‌های جدید راه کدام محبس تحویل دهند. در زندان کارون ۱۶۰۰ نفر به بند کشیده شده‌اند. بیش از ۱۴۰۰ نفر دیگر در زندان والفجر و بازداشتگاه‌های سپاه و کمیته و دادستانی در چهارشیر، کیان پارس و فلکه یاداد در اسارت به سر می‌برند. زندان‌های اهواز در زمره مخوف‌ترین اسارتگاه‌های رژیم جمهوری اسلامی هستند. به خاطر تنگی جا در زندان کارون زندانیان نوبتی می‌خوابند. به آن‌ها در طول هفته فقط ۲۰ دقیقه اجازه هواخوری می‌دهند. وقت دستشویی و نظافت نیز حداکثر ده دقیقه در روز است. زندانیان لاینقطع زیر شکنجه‌اند. حتی کسانی که با زنجویی شان نیز سرآمده‌اند،

نیت آمریکارابه اجرا در می‌آورد. شدت اختناق در خوزستان به حدی بالاست که دامنگیر ارگان‌های حکومتی نیز می‌شود. طناب اختناق حتی کلوی عوامل خود حکومت و نیروهای مسلمانی که نسبت به رژیم متوهم بودند را، فشرده ساخت. در سال ۶۲ سپاه و بسیج خرمشهر و آبادان منحل شده و ۲۰۰ پاسدار از این دو شهر به نقاط دیگر تبعید گردیدند، سپاه شوشتر نیز به همین‌سان منحل شد و مسئول آن به همراه ۶۰ نفر پاسدار دیگر دستگیر شد، بسیاری از مسئولین شهر مسجد سلیمان به وسیله باند ربانی، امام جمعه این شهر از کاربردکنارگر دیدند، چندین نهاد در بهبهان منحل گشته و مسئولین آنها به زندان افتادند... با این اوصاف دیگر از پیش مشخص است که بر نیروهای انقلابی در خوزستان و به ویژه در اهواز چه رفته است.

اهواز، شهری پا

بیش از ۳۰۰ زندانی سیاسی حکومت نظامی در اهواز نموده‌های پررتگی دارد: گشت‌هایی که بی‌وقفه در خیابان‌ها روانند،



حساب به کارگزینی مراجعه کنند. قرارداد کارآموزان نیز که تعدادشان بیش از ۴۰۰ نفر است تمدید نگردیده است، آنها هر روز در انتظار اخراج به سر می‌برند.

در این چند ساله حاکمیت جمهوری اسلامی، دم بدم بر وسعت محلات فقیرنشین اهواز: لشکرآباد، حلبی‌آباد (چهارصد دستگاه)، شلنگ آباد و حمیرآباد افزوده شده است. این محلات را که پشت سر می‌گذاریم و از اهواز خارج می‌شویم به روستاهایی ویران و سوخته می‌رسیم که فقر و ستم در آنها بیداد می‌کند. خوزستان خاک حاصلخیزی دارد. اما حاصلخیزی این خاک تنها به زمینداران بزرگ برکت می‌رساند. فئودالها و شیوخ دسته دسته باز گشته‌اند و در پناه سر نیزه ژاندارمها و پاسداران زمینهای مصادره ای رایس گرفته‌اند.

رژیم کشاورزی خوزستان رانیز در خدمت جنگ قرار داده است. رژیم به دهقانان می‌گوید به فئودالها، به زمینداران و شیوخ تمکین کنید و برای بر آوردن نیازهای جیبه‌ها کاشت و برداشت کنید. در سال گذشته حکومت اجازه نداد دهقانان محصولات صیفی خود را برای فروش به تهران و اصفهان بفرستند و امسال نیز از دادن تخم صیفی جات به آنان خودداری کرده است.

مردم

راه مبارزه را برگزیده‌اند

اهواز نیز چون دیگر شهرهای میهنمان پرالتهاب است. خشم و نفرت مردم از جنگ و رژیم هر روزه به شکلهای مختلفی تجلی می‌یابد. آخرین نمود برجسته حرکت مردم در این شهر، تظاهرات خلق عرب با همیاری دیگر اهالی اهواز بود که ما خبر آن را به موقع گزارش کردیم و در ادامه این نوشته به جزئیات دیگری از آن می‌پردازیم.

اعتصاب کارکنان شرکت واحد اهواز، تظاهرات، دکه داران اهواز و اعتراض علنی و صریح کارگران شرکت نفت به سفر غرضی به خوزستان نمونه‌های دیگری از حرکت‌های اعتراضی کارگران و زحمتکشان اهواز در سال جاری است.

اعتصاب کارکنان شرکت واحد اهواز به دنبال کاهش میزان پولی که بابت حق لباس به آنها می‌پرداختند صورت گرفت. هر سال از این بابت ۱۸۰۰ تومان به کارکنان شرکت واحد پرداخت می‌شد. ولی امسال این مبلغ یکباره به ۸۰۰ تومان تقلیل یافت.

این مساله بر بنیاد یک زمینه آماده باعث اعتراض یکپارچه کارکنان این شرکت گردید. در روز ۸ اردیبهشت همگی آنها دست از کار کشیده و تا زمان گرفتن قول مساعد از مدیریت شرکت مبنی بر جبران این اجحاف و استخدام آنها در شهرداری، به اعتصاب خود ادامه دادند.

تظاهرات دکه داران اهواز با درگیری همراه بود. بعد از این که شهرداری اهواز در اردیبهشت تصمیم گرفت به کمک نیروهای انتظامی دکه‌ها را در سطح شهر جمع آوری کند، دکه‌داران دست به تظاهرات زدند که با یورش ارگانهای انتظامی رژیم مواجه شد. چند نفر از دکه داران در جریان این تظاهرات که سریعاً خیر آن در سطح شهر پخش شد، دستگیر گردیدند.

سفر غرضی به خوزستان در نیمه دوم اردیبهشت ماه امسال با اعتراض آشکار کارگران و کارمندان شرکت نفت مواجه شد. این اعتراض در اهواز نیز انعکاس یافت. غرضی که در میان نشتگران عنصر ریبی‌ساز منفوری است، در بازدید خود از مراکز استخراج و دیگر بخشهای شرکت نفت در خوزستان کوشید با دروغ‌گویی

و عوام‌فریبی به اعتراضات کارگران پاسخ گوید. اما در همه جا با تسخیر و مقاومت های جسورانه مواجه گشت. از جمله یک کارگر بخش حفاری خشمگینانه به او گفت: "حرف ما و شعارها و وعده‌های شما برای ما نان نمی‌شود. خواسته‌های ما مشخصند، ما خواهان افزایش دستمزد، ایمنی کار، لباس کار، امکانات رفاهی، یک قانون کار مترقی و طبقه بندی مشاغل در جهت منافع کارگران هستیم. شما در برابر این خواسته‌ها چه پاسخی دارید؟" طبیعتاً غرضی پاسخی در برابر این پرسش قاطع نداشت و از همین رو عوامل او اجتماع کارگران را به هم زدند. این موضوع در اهواز منعکس شد.

و هنگامی که غرضی در باشگاه نفت اهواز سخن رانی داشت، نظیر آن تکرار گردید.

طبقه کارگر در همه اعتراضات حرکت‌های توده ای جای شایسته و برجسته خود را دارد. جنبش کارگری در خوزستان که یکی از عمده ترین کانونهای تمرکز پرولتاریای ایران است، پیشتاز حرکت عمومی مردم است. در یک سال گذشته و تنها در خوزستان بیش از ۴۰ اعتصاب و اعتراض متشکل کارگری صورت گرفته است. بخش اعظم این حرکات در اهواز متمرکز بوده است.

رژیم وحش زده است

روند شتابناک حرکت خلق و در کانون آن طبقه کارگر، ارگانهای سرکوبگر رژیم را در اهواز بعد از تظاهرات ضد جنگ در تهران و در آستانه اول ماه مه، به اتخاذ تمهیدات ویژه ای واداشت. هراس آنها آنسان چشمگیر بود که حتی از برگزاری تظاهرات فرمایشی اول ماه مه نیز خودداری ورزیدند. آنها مقررات "حکومت نظامی" را با شدت بیشتری به موقع اجرا گذاردند. بسیج به حالت آماده‌باش در آمد. گشتهای شبانه افزایش چشمگیری یافتند. بعد از ۹ شب، عبور در سطح شهر بدون کارت شناسایی و داشتن توجیه مناسب، میسر نبود. برای گشت در طی روز ارگانهای سرکوب به اتوموبیلها و موتورسیکلت های کمپته و سیاه و شهربانی بسنده نکرده و حتی ماشینهای شرکت نفت، رادیو-تلویزیون و سازمان آب و برق خوزستان را نیز به خدمت گرفتند.

هراس رژیم از بروز حرکت‌های اعتراضی در اهواز بیهوده نبود. تظاهرات (۲۱ فروردین کوی ۱۲ آبان تهران و سیعا در اهواز بازتاب یافته بود و رژیم از آن بیم داشت که

حرکت‌های اعتراضی در اهواز نیز در شکلهای پر نمودی چون تظاهرات آغاز شده و در میان کارگران شرکت نفت گسترش یابد. ارگانهای سرکوبگر بویژه بر روی حرکت در میان نفتگران حساسیت دارند. موسوی جزایری امام جمعه اهواز در نماز جمعه ۲۷ اردیبهشت صراحتاً به این امر اعتراف کرد.

خیزش خلق عرب

حوادث روزهای ۲۴ تا ۲۸ اردیبهشت در اهواز نشان داد که حساسیت رژیم بر روی بروز حرکت‌های اعتراضی در این شهر بیهوده نبوده است.

در اهواز بر بستر فقر و محرومیت و ستم و سرکوب، مجموعه عوارض جنگ آنچنان نفرت عمیقی از رژیم در دلها خانه کرده که به این شهر یک حالت انفجاری داده است. امسال پر نمودترین حرکت با تظاهرات خلق عرب آغاز گشت و نباید غیر منتظره باشد که قریباً شاهد حرکت‌های برجسته دیگری در این شهر علیه رژیم، علیه تداوم جنگ باشیم.

همچنانکه در شماره ۵۸ نشریه "اکثریت" نوشتم، حرکت اعتراضی خلق عرب بعد از چاپ مقاله ای توهین آمیز نسبت به این خلق آغاز گشت. در شماره ۱۵ اردیبهشت اطلاعات ویژه خوزستان مقاله ای درج شده بود با عنوان "اهواز در گذشته و حال". نویسنده مزدور این مقاله هم میهنان عرب خوزستانی را کولی دانسته و صفت کولی را منسوب به آنانی دانسته بود که از راه "فاحشه گری" زناشان، ارتزاق می‌کنند. این مقاله سراپا اهانت به شدت مردم عرب را خشمناک ساخت. آنان که اکثریتشان تهیدست ترین و محروم ترین بخش اهالی خوزستان را تشکیل می‌دهند و از حاکمیت جمهوری اسلامی و از جنگ، خسارات و لطامات زیادی دیده‌اند، فوراً با انتشار این مقاله نفرت خود را از رژیم بروز دادند. آغاز حرکت در محلات قدیمی و عرب نشین اهواز و بویژه در لشکرآباد و شلنگ آباد بود. اعتراضات سریعاً به نقاط دیگر انتقال یافت و با توجه به همدلی و همیاری دیگر اهالی اهواز، در سطح شهر عمومیت یافت.

در روز دوشنبه ۲۳ اردیبهشت عده ای از مردم عرب در جلوی کمیته محله لشکرآباد گرد آمده و دست به اعتراض زدند. پاسداران کمیته برای متفرق کردن جمعیت به زور متوسل شده و قریب به ۵۰ نفر را دستگیر کردند. بقیه در صفحه ۹



از میان نامه‌ها

دو نامه از تهران

● "...مدتی است دوباره حملات هوایی شروع شده همه از این وضعیت ناراحت هستند. کمتر کسی را می‌توان پیدا کرد که بر علیه این جنگ لعنتی ورژیم حرف نزنند. تهران شهر بی دفاع است. مردم هیچ گونه پناهگاهی ندارند. وقتی آژیر قرمز می‌زنند و تمام برق‌ها خاموش می‌شود همه خیال میکنند که هم اکنون بمبها بر سر آنها می‌ریزد. جاده آبدلی و اتوبان، کرج مملو از خانواده‌هایی است که برای فرار از بمباران به خارج شهر فرار میکنند. ترافیک در آنجا بقدری سنگین است که یکبار یکی از دوستان سه بعد از نصف شب حرکت کرد و چهار بعد از ظهر به تهران رسید. از میان مردمی که به خارج شهر می‌روند عده‌ای به‌طور جداگانه شعاری می‌دهند جو نارضایتی بسیار بالا است.

● "... رژیم تمهیدات امنیتی شدیدی را اتخاذ کرده است. بعد از حمله به یک نقطه، تمام نیروهای رژیم، مخصوصاً کمیته وسپاه محل را قرق می‌کنند و کوشش می‌کنند از اجتماع مردم جلوگیری نمایند. در گیشا حدود ۵۰ نفر از مردم برضد خمینی و جنگ شعار می‌دادند. در امیرآباد، مجیدیه جنوبی، و سلطنت آباد اعتراضات پراکنده‌ای صورت گرفت خلاصه هر جا که بمباران می‌شود، در مدتی کوتاه مردم از جاهای دیگر به آنجا می‌ریزند و زمینه تظاهرات جمعی فراهم می‌شود. در کیشا، امیرآباد و مجیدیه پاسداران برای متفرق کردن مردم اقدام به تیراندازی هوایی کردند. در تمام این جاها بعد از حملات هوایی، رژیم به‌طور سازمان یافته افرادی را از جاهای دیگر به محل می‌آورند و این مزدوران، شعار جنگ می‌دهند... را سر می‌دهند افراد موتور سوار رژیم نیز خود را به محل می‌رسانند و تحت حمایت پاسدار و کمیته‌چی به نفع جنگ شعار می‌دهند. در چندین مورد مردم با پاره آجر به خدمت آنها رسیدند. مثلاً در مجیدیه قبل از آنکه کمیته‌چی‌ها برسند و محل را قرق کنند یکی از آنها زودتر از موقع شروع به شعار دادن کرد که مردم وی راتا حد مرگ کتک زدند. در امیرآباد ساعت ۲/۵ شب مزدوران رژیم رسیدند و شعار جنگ جنگ... سردادند.

● "... چون مردم جای امنی ندارند سرکچه‌ها و خیابانها می‌آیند و تجمعیهای زیادی بوجود می‌آید که در بعضی از آنها شعارهای پراکنده بر علیه رژیم داده می‌شود. بحثهای زیادی علیه رژیم صورت می‌گیرد. چون مردم شیبا نمی‌خواهند و با کم خوابی دارند روز بعد آثار خستگی در چهره تمام مردم مشاهده می‌شود. میزان سگته قلبی، خورنریزی زنان باردار به شکلی سابقه‌ای افزایش یافته است.

● "... هرکس از خود می‌پرسد برای گریز از این وضعیت چه باید کرد؟ عده‌ای که امکانات دارند به خارج از شهر و یا به شهرهایی که حملات هوایی صورت نمی‌گیرد می‌روند.

● "... میزان دزدی‌ها افزایش یافته است. اکثر این دزدی‌ها در فواصل خاموشی از خانه‌هایی که ساکنان آن به خارج شهر رفته‌اند صورت می‌گیرد."

● "... با شروع بمباران شهرها، کسانی که امکاناتی داشتند، شتابان از تهران خارج شدند. حتی بلویله‌های دماوند، شبی ۱۰۰ الی ۲۰۰ تومان کرایه داده می‌شد. البته شهرهای غربی ایران، مثل دزفول، باختران و... که جای خود دارند. هلال احمر باختران و چند شهر دیگر به اهالی این قبیل شهرها چادر داده بود چرا که افرادی فاقد امکانات در شهرها زندگی می‌کردند. یک مثال بزخم که روشن شوید. کرایه اتوبوس از باختران تا کنگاور که ۲۵ ریال بود در زمان بمباران به دو بیست تومان رسید.

● "... دور جدید بمباران مناطق مسکونی، که پس از مدتی توقف، دوباره آغاز گردیده، بر بستر درد و رنج مردم حرکت‌های اعتراضی گوناگونی را دامن زده است.

● "... خروج دسته‌جمعی مردم تهران به نقاط امن‌تری چون کرج، جاده چالوس، شهریار، اوشان، قشم، رودهن، دماوند، آبدلی و... موجب بروز ترافیک بسیار سنگینی در جاده کرج و دیگر جاده‌های اطراف تهران شده است. اکنون در روزهای عادی هم تعداد وسایل نقلیه‌ای که در اتوبان چهل کیلومتری کرج حرکت می‌کنند، آنقدر زیاد است که صبح‌ها به سمت تهران و عصرها به سمت کرج اتوبان بند می‌آید.

● "... بمباران های اخیر دلخراش ترین صحنه را در گیشا بوجود آوردند. کشته شدن چندین کودک که در یک جشن تولد جمع شده بودند، قلب هر انسان شرافتمندی را شدیداً اندوهگین می‌کرد. با این حال حزب الهی‌هایی که از طرف رژیم در محل بمباران جمع شده بودند، در نهایت وقاحت می‌گفتند قصاص پس دادند. چرا باید جشن بگیرند. در نقاطی که جنازه زن‌ها با لباس خواب از زیر خاک بیرون آورده می‌شود، بی‌درنگ با توهین حزب الهی‌های حاضر در صحنه روبرو می‌شود. در گیشا و بعضی نقاط دیگر بین مردم اندوهگین و حزب الهی‌ها درگیری‌هایی هم بوقوع پیوسته است.

● "... به موازات گسترش ابعاد جنگ، رکود اقتصادی بیشتر شده است، معاملات تقریباً ۷۰ الی ۸۰ درصد از گذشته کمتر شده است. گرانی و کجبود مایحتاج نیز افزایش یافته‌اند. برای مثال میوه‌هایی که در قبل کیلویی ۲۰ الی ۲۵ تومان بودند، اکنون به قیمت کمتر از ۶۰ تومان پیدا نمی‌شوند.

● "... اکنون تعداد کمی از مردم در خیابان‌ها به چشم می‌خورند. بسیاری از خانواده‌ها با تعطیل شدن مدارس به نقاطی دور از تهران رفته‌اند تا از بمباران‌ها در امان باشند.

بخش‌هایی از دو نامه یک دانش آموز از باختران به برادرش :

۱۵ فروردین ۱۳۶۴

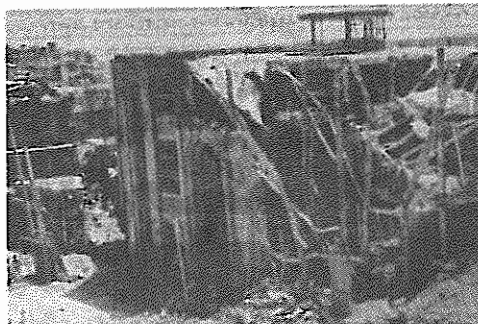
● "... ما منتظر اصابت موشک های سوم و چهارم به کرمانشاه هستیم. ناگفته نماند ساعت (۱) صبح امروز ۱۵ فروردین ۱۳۶۴ یک موشک زمین به زمین به محله شریعتی اصابت کرد. گرد و خاک عجیبی بلند شد. بعد از آن، حوالی ساعت ۲ بعد از ظهر، دومین موشک در محله فقیر نشین "جعفرآباد" فرود آمد.

● "... پس از اصابت دومین موشک به شهر، بیشتر مردم، گروه گروه بیرون زدند. ما هم به کوه‌های اطراف پناه بردیم.

● "... اگر خواسته باشی چیزی در مورد وضعیت فعلی برایت بنویسم، اینست که تقریباً همه شهر را ترک کرده‌اند و هم اکنون حتی مرغاری‌های اطراف شهر، محل مسکونی شده‌اند، خلاصه الان مردم واقعا آرزوی خوردن "نان جو" در شرایط صلح را دارند که امیدواریم به قول معروف: خدا آوی بکده‌بان ای آکره."

نوزدهم فروردین

● "... اسما! همه با هم این طور عید مبارکی می‌کردند. امید وارم بواسطه بمباران و موشکباران



باختران در جست‌وجوی شهربان از اصابت یک موشک عراقی

● "... اکثر دانش‌آموزان عده‌ای با خانواده‌هایشان آواره شده‌اند. نمی‌دانم اگر روزی مدارس باز شوند باز هم دوستانم را خواهم دید یا نه؟

● "... شهرمان، شهر اشک و اندوه و ویرانی شده است. همه مردم افسرده و خشمگین‌اند. همه از جنگ متنفرند. کاش می‌توانستم تنها گوشه‌ای از رنج مردم را برایت تصویر کنم. هر لحظه از زندگی ما آکنده از نگرانی و تشویش است! ●"

به مناسبت شصت و پنجمین سالگرد بنیانگذاری حزب کمونیست ایران

کمونیستها، مدافعین پیگیر حقوق ملی خلقها

۲۰ خرداد امسال، ۶۵ سال از بنیانگذاری حزب کمونیست ایران می گذرد. در چنین روزی بعد از تشکیل کنگره حزب عدالت در بندر انزلی، رسماً تاسیس حزب کمونیست ایران اعلام شد.

حزب کمونیست بلافاصله بعد از تشکیل به سبب مسلح بودن به یک اندیشه علمی و انقلابی، خصلت عمیق انترناسیونالیستی، پیگیری انقلابی و تعهد پایدار به رهایی ملی و اجتماعی کارگران و زحمتکشان، توانست نقش شایسته ای را در جنبش ایفا کند. بسیاری از بنیانگذاران و فعالین این حزب در سالهای توفانی انقلاب مشروطیت و پس از آن، به پراتیک انقلابی مجهز شده و بیکارگرانی بودند که خورشید اکتبر، بر قلب و مغزشان از نزدیک نور و گرمی بخشیده بود.

حزب کمونیست ایران، در پیکار برای رهایی ملی و اجتماعی، با وظایف بس دشواری مواجه بود. کار در جامعه ای عقب مانده و دارای پروتاریایی محدود، مبارزه در شرایطی که می بایست وظایف نبرد علیه فئودالیسم، علیه دیکتاتوری رضا خانی، علیه امپریالیسم و همه مظاهر استعمار را به نحو دقیقی با یکدیگر ترکیب نمود، بسیار صعب و پیچیده بود. فقدان کادر، نبودن مفاهیم مارکسیسم لنینیسم برای همه پیکارگران خواهان رهایی رنجبران، عقب ماندگی فرهنگی جامعه و در همان حال گسترده بودن بهینه مبارزه، همه و همه بر این دشواریهای افزودند. دستاوردهای حزب کمونیست ایران را بایید با توجه

به همه این عوامل سنجید. حزب کمونیست ایران توانست از خلال همه این پیچیدگیها و مواضع صعب العبور، گذر کرده و کتاب رزم کمونیستهای ایران را با فصلی درخشان آغاز کند.

پیرداختن به همه دستاوردها و کارکردهای حزب کمونیست ایران، در حوصله این مختصر نمی گنجد. ما در اینجا تنها اشاراتی داریم بر بیکار این حزب برای احقاق حقوق ملی خلقهای تحت ستم ایران.

حزب کمونیست از بدو تاسیس خود به مساله ملی در ایران توجه نموده و در این مورد سندهای درخشانی به جا نهاده است. این حزب، نخستین جریان سیاسی است که بر ضرورت تساوی حقوق تمام خلقهایی که کشور کثیرالمله ایران را تشکیل می دهند، تاکید ورزیده است.

در شماره بهمن ماه (۱۳۱۱) روزنامه "پیکار" ارگان حزب کمونیست ایران مقاله ای با عنوان "ملل اقلیت و رژیم پهلوی" به چاپ رسیده که در آن سیاست حزب کمونیست در قبال مساله خلقها در ایران تشریح گردیده است. در این مقاله دیده می شود که حزب کمونیست، تنها بر بیان تئوریک ضرورت حق ملل در تعیین سرنوشت اکتفا نکرده و قادر بوده است در شرایطی که فاکتورهای شوونیسم دربار رضاخانی، توطئه های امپریالیسم بویژه امپریالیسم انگلیس، و رهبری ارتجاعی خانها و شیوخ در موضوع مدخلیت می یافتند، مساله بر خورد مشخص

نمایند. در مقاله مذکور توجه عمده بر روی وضعیت کردستان است. در آنجا گفته می شود: در سرتاسر کردستان حتی یک موسسه وجود ندارد که زبان رایج در آن کردی باشد. یک میلیون جمعیت کردستان ده نفر طبیب هم ندارند. دولت و دربار اصرار دارند که در ایران ابدامساله ملیت وجود ندارد. بعد از این توصیف از ستمی که بر خلق کرد روا داشته می شود، در مقاله نشریه پیکار چنین می خوانیم:

"اکراد ایران باید بدانند که آنها بایستی دارای آزادی کامل بر ای خود باشند. فقط زحمتکشان ایران طرفدار حقیقی آزادی اکراد و سایر ملل اقلیت ایران می باشند. امروزه در تمام جهان، طبقه کارگر و توده، طرفدار حقیقی آزادی ملل و وحدت کارگران تمام ملل است، چنانکه در تحت رهبری طبقه کارگر در روسیه امروزه، در مملکت شوروی، مساله ملیت بلور کامل حل گردیده و در آنجا تمام ملل از قبیل ترک، گرجی، ارمنی، تاجیک، اوزبک و غیره مساوات حقیقی و آزادی کامل در زبان و تمام امور و ترقیات اقتصادی خود را دارند."

حزب کمونیست ایران طی این مقاله راه "آزادی کامل اکراد" را چنین تشریح می کند: "آزادی کامل اکراد و سایر ملل اقلیت ایران فقط با دست حکومت انقلابی کارگران و زارعین ایران عملی خواهد شد."

گزارشی از اهواز: شهری...

بقیه از صفحه ۷
ولی این امر مردم را از جا به در نبرد. در فردای این روز نیز حرکت تکرار شد و اینبار گسترده گی بیشتری یافت. در روز سه شنبه ۲۴ اردیبهشت تظاهرات چندین محله و خیابان رادر بر گرفت: نادری، کمپلو، لشکرآباد، رفیش آباد، و خشایار. در این روز پاسداران ۸۰ نفر دیگر را دستگیر کردند ولی نتوانستند حرکت را بخوابانند. مردم عرب اهواز پل راهنمایی را که در جنب محله لشکر آباد واقع است و کمپلورابه سایر نقاط وصل می کند، بستند و به مقاومت خود ادامه دادند

در روز چهارشنبه تظاهرات اوج گرفت. پاسداران به مسلسل متوسل گشتند و به روی مردم آتش گشودند. شهر کاملاً ملتهب گشت. صدای رگبار مداوم هوایی و زمینی مزدوران رژیم خبرددمشی حکومت را به همه جای شهر رساند. بر اثر تیراندازی پاسداران تعدادی که تا ۸ نفر نیز ذکر می شود

کشته و عده زیادی مجروح گردیدند. در این روز نیز بیش از ۱۰۰ نفر دستگیر شدند.

در روز جمعه ۲۷ اردیبهشت نیز حرکت ادامه یافت. مردم در اطراف دادستانی و مرکز کمیته و سپاه گرد آمدند و خواهان آزادی دستگیرشدگان گشتند. در این روز رژیم کوشید عوامل و مزدوران خود را گرد آورد و تظاهرات مضحکی به نام عرب ها و به نفع خود و ندادن جنگ راه بیندازد. جوانان عرب که از این ریاکاری به خشم آمده بودند، در یک حرکت شجاعانه این تظاهرات را برهم زدند. نیروهای سرکوبگر نیز به تفنگ متوسل شده و به روی مردم آتش گشودند. فردای آن روز ساختمان چند طبقه جهاد دانشگاهی از سوی جوانان عرب طعمه حریق گشت.

رژیم در پی این حرکت های بیپایایی سخت به تقلا افتاد. حتی رئیس جمهور و رئیس مجلس نیز به عجز و لایه روم آورده و به زعم خود کوشیدند از مردم عرب دلجویی کنند. این عجز و لایه بیپهوده نیست. آن ها از خشم خلق عرب خوزستان و به ویژه از آن رو که

می دانند عرب ها مسلح هستند، شدیداً نگران و وحشت زده اند.

توسل به سرکوب، نشان دهنده ضعف و جبن رژیم است

رژیم برای خواباندن ساده ترین حرکت های مطالباتی و اعتراضی نیز به ارگان های سرکوب متوسل می شود. بازداشت ساده ترین شکل واکنش رژیم در برابر حرکت های کارگری و توده ای است. هنوز تکلیف دستگیرشدگان اعتصاب کارکنان آب و برق اهواز در اواخر سال گذشته روشن نشده است.

روز بروز بر تعداد دستگیر شده ها افزوده می گردد و این در حالی است که مقاومت خلق در داخل زندانهای مخوف اهواز نیز تجلی جمعی یافته است. در آذرماه سال گذشته زندانیان سیاسی اسارتگاه کارون دست به یک اعتراض جمعی زدند تا به برخی حقوق خود دست یابند. در زیر تیغه جلادان نیز مقاومت اینسان شکل همبسته و عمومی می یابد و حکایت از روندی دارد که چشم انداز نزدیک و ملموس آن چیزی جز خیزشهای پرطنین و پرصلابت

مردم نیست. رژیم با توسل به سرکوب، ضعف و جبن خود را به نمایش می گذارد، بر کینه مردم می افزاید و همه دلها را آکنده از خشم و نفرت می سازد.

اهواز در روزهای گذشته، در پی آغاز دور دوم جنگ شهرمادر سال جاری چهره بسیار دردمندی یافت. مرحله دوم جنگ شهرها در این شهر، روز ۲۱ اردیبهشت آغاز شد. در این روز هواپیماهای عراقی نیروگاه برق زدگان را بمباران کرده و آتش سوزی مهیبی برآه انداختند. از آن روز تا کنون این شهر بلاکشیده و خیمینی گزیده نیز همچون دیگر شهرهای میهنمان بارها هدف حمله قرار گرفت. جنگ از طریق کشتار مردم بی دفاع کثیف ترین چهره خود را به نمایش نهاد.

همه این مصیبت ها نفرت مردم از رژیم و از جنگ را افزونتر و افزونتر می کند. خشمی را که در دلهای مردم انباشته گشته است تنها با درازای زبانهای آتشی می توان سنجید که با خیزش خلق برای حکومت خیمینی را خاکستر خواهد کرد.

مصاحبه با "هربرت اپتکر" عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالات متحده

رفیق هربرت اپتکر عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا از صاحب نظران امور خاورمیانه و مسائل ایران است. او همواره از مبارزات مردم ایران چه در زمان رژیم شاه و چه در رژیم جمهوری اسلامی فعالانه حمایت کرده است. در سال ۱۹۷۰ و قتیکه رفیق اپتکر برای ادامه تحقیقاتش در مورد مسائل ایران قصد سفر به کشور ما را داشت، رژیم شاه از دادن ویزای ورود او به ایران خودداری نمود. عضویتش در حزب کمونیست آمریکا و فعالیت‌های مبارزاتی وی علیه رژیم شاه علت این امر بود.

دکتر هربرت اپتکر که اکنون استاد دانشکده حقوق در دانشگاه کالیفرنیا در شهر برکلی است، موسس و مدیر "انستیتو مطالعات مارکسیستی" می‌باشد. او که از مبارزان پر سابقه و سرشناس طبقه کارگر آمریکاست، چندین کتاب در مورد تاریخ مبارزات کارگری در این کشور، تالیف کرده است.

رفیق هربرت اپتکر چندی پیش در مصاحبه ای با خبرنگار "الکثریت" پیرامون مسائل چندی از جمله روند انقلاب ایران و جنگ میان ایران و عراق به اظهار نظر پرداخت که در زیر می‌خوانید.

* نظر شما در مورد انقلاب ایران چیست؟

** انقلاب فوریه ۱۹۷۹ انقلابی بود مردمی که در آن طبقات مختلف شرکت داشتند. با پیروزی انقلاب، مردم ایران موفق شدند رژیم سرکوبگر شاه را بر اندازند و از آنجایی که این رژیم تماماً وابسته به امپریالیسم آمریکا بود، مردم توانستند خود را از سلطه امپریالیسم نیز رها سازند. بنابراین انقلاب مردمی ایران هم ضد سلطنتی بود و هم ضد امپریالیستی. از دستاوردهای پیروزی انقلاب می‌توان خارج شدن ایران از پیمان نظامی سنتو، برچیده شدن پیکامهای جاسوسی بر علیه اتحاد شوروی، اخراج هزاران نفر از عمل امپریالیسم آمریکا، ملی شدن بانکها، فرار فئودالها و سرمایه داران بزرگ و تصاحب بخشی از املاک و دارائی آنان توسط دهقانان و کارگران را بشمار آورد.

اما نیروهای ارتجاعی یعنی بورژوازی کلریکال و فئودال در مقابل پیشرفت انقلاب دست به مقاومت زدند و سعی در خرابکاری و متوقف کردن پیرویه استحکام و پیشروی انقلاب نمودند. سپس در نتیجه مقاومت ضد انقلاب که از ماسک مذهبی خود برای فریب توده‌ها استفاده می‌کرد، دستاوردهای انقلاب یکی پس از دیگری مورد هجوم واقع شد. تقسیم زمین بین دهقانان متوقف، آزادیهای سیاسی سرکوب و پایمال و سرکوب اقلیت‌های ملی و مذهبی و بخصوص خلق کرد گسترش یافته است. رژیم ایران از جنگ به عنوان بهانه ای برای سرکوب

یافت. همچنین، ادامه جنگ ایران و عراق و تلفات و خرابی‌های ناشی از آن افکار عمومی مردم ایران و جهان را بر علیه رژیم جمهوری اسلامی برانگیخته است.

* نقش امپریالیسم آمریکا در جنگ میان ایران و عراق چه بوده است؟

** تجاوز رژیم ارتجاعی عراق که با تحریک امپریالیسم آمریکا بر علیه ایران انقلابی در سال ۱۹۸۰ آغاز شد تاکنون باعث بیش از ۲۰۰ هزار نفر کشته، ۵۰۰ هزار نفر معلول و میلیاردها دلار خسارت شده است. امپریالیسم آمریکا قصد اشغال نظامی بخشی از خاک ایران توسط رژیم عراق و به روی کار آوردن یک رژیم ارتجاعی را داشت ولی این توطئه با فداکاری و جانفشانی مردم ایران و نیروهای انقلابی عقیم ماند و پس از آن توطئه فرسایشی کردن جنگ و مسخ و از میان تپه نمودن انقلاب در دستور کار امپریالیسم قرار گرفت. با وجودیکه دولت آمریکا به طرف عراق تمایل دارد ولی وزارت خارجه آمریکا با عوامل مشخصی در ایران رابطه دارد و روی آینده ایران بعد از مرگ خمینی حساب باز کرده است.

موقعیت ایران از لحاظ جغرافیایی و دارا بودن منابع طبیعی سرشار بسیار حائز اهمیت است بخصوص که ایران در مجاورت اتحاد شوروی نیز قرار گرفته است. بر طبق گزارش روزنامه "کریستین ساینس مانیتور" در ۱۲ فوریه امسال: "می‌توان گفت که ادامه جنگ ایران و عراق با تلفات سنگین جانی و مالی از دو طرف به نفع ایالات متحده تمام شده است." "این منافع کدامند؟" کریستین مانیتور متخصن امور خاور میانه در انستیتو بروکینگز چنین می‌گوید:

"جنگ به حضور نظامی ما در خلیج فارس افزایش چشمگیری بخشیده است، به نحوی که قبلاً اینگونه حضور داشتیم." (روزنامه کریستین ساینس مانیتور ۱۲ فوریه ۸۵) این حضور شامل ۲ یا ۳ زبرداریاتی، نیروی ویژه شامل ۱ یا ۲ ناو هواپیمایر، تا ۲۵ کشتی جنگی و تعدادی وسائل دریایی-زمینی می‌شود که از سال ۱۹۸۰ بطور دائم مشغول کشت زنی در آبهای خلیج فارس بوده-

اند. پنتاگون در نظر دارد که ۷ لشکر خود را در خلیج فارس نگاه دارد و به این منظور در حال مذاکره برای استفاده از پایگاهها و وسائل بندری بیشتری می‌باشد. "نیروی واکنش سریع" که اکنون جزئی از "فرماندهی مرکزی" بشمار می‌رود و دارای ۲۰۰ هزار سرباز با تعلیمات ویژه می‌باشد، در محوطه ای بزرگتر از مساحت ایالات متحده فعالیت می‌کند و بیش از ۱۹ کشور را در آسیا و افریقا در بر می‌گیرد. بر طبق گزارش "انستیتو مطالعات سیاسی" که مرکز آن در واشنگتن قرار دارد، پنتاگون قصد دارد از جزیره دیه کوگارسیا بعنوان پایگاه یرتاب موشکهای اتمی استفاده کند. این گزارش در شماره ۱۴ دسامبر ۱۹۸۴ نیویورک تایمز درج شده و توسط مقامات رسمی دولت آمریکا نیز تایید شده است. با توجه به نقشه‌های جدید پنتاگون، خطر همه گیر شدن جنگ ایران و عراق و تبدیل آن به یک رویارویی اتمی افزایش یافته است. خرج این نقشه‌های جنگ افروزانه پنتاگون که بر روی دوش مردم آمریکا سنگینی می‌کند سربه آسمان می‌زند. بر طبق گزارش مجله "مریپ رپورت" (نوامبر-دسامبر ۱۹۸۴) تحلیل گر پیشین پنتاگون "ارل رونال" می‌گوید بوده‌چهار سال ۱۹۸۵ پنتاگون برای عملیات نیروهای واکنش سریع در منطقه خلیج فارس ارقام نجومی است.

با وجود همه تلفات جانی و مالی که به دولت ایران و عراق وارد آمده است. مخالفت با جنگ مجازات‌های سنگین و شکنجه و اعدام در پی دارد. یکی از دلائل اعدام ۱۰ تن از افسران میهن پرست ارتش ایران که سال گذشته انجام شد، طرفداری آنان از صلح بوده است.

* مردم و نیروهای مترقی آمریکا، در حمایت از مردم ایران چه کارهایی می‌توانند انجام دهند؟

** مردم و نیروهای مترقی آمریکا بایستی همبستگی خود را با مردم ایران و میهن پرستانی که به خاطر دفاع از صلح و دستاوردهای انقلاب به زندان افتاده اند، افزایش دهند. ما خواهان قطع فوری جنگ، آزادی کلیه زندانیان سیاسی، خروج فوری نیروهای نظامی آمریکا از خلیج فارس و اقیانوس هند هستیم. ما

رویدادهای جهان



مواضع مشترک افغانستان و لهستان در مبارزه برای صلح

در پایان دیدار اخیر هیئت حزبی و دولتی افغانستان به ریاست ببرک کارمل صدر شورای انقلاب و دبیرکل کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان از ورشو، افغانستان و لهستان بیانیه مشترکی انتشار دادند که در آن آمده است: با توجه به خطر فاجعه هسته‌ای، هر کوشش ممکن باید در راه قطع مسابقه تسلیحاتی، کاهش تنشجات در عرصه بین‌المللی، و ادامه روند تنش زدایی به عمل آید. هیئت افغانی مذاکراتی با ویاروسلکی، رئیس شورای وزیران لهستان انجام داد.

دو طرف ضمن ابراز نگرانی عمیق از افزایش تنشجات بین‌المللی، تاکید کردند که علت این امر، اقدامات ایالات متحده و برخی متحدین آن است که سیاست رویارویی، دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی و گسترش آن به فضا را دنبال می‌نمایند.

طرفین همچنین بر ضرورت قطع فوری جنگ اعلان شده علیه افغانستان و حل سیاسی اوضاعی که مداخله نیروهای امپریالیستی و ارتجاع بین‌المللی به وجود آورده، تاکید و ورزیدند.

محاکمه سه تروریست در افغانستان

در کابل محاکمه علنی سه تروریست عضو "حزب اسلامی" به پایان رسید. آن‌ها با بمب‌گذاری، در یک بازار پایتخت افغانستان، یک نفر را کشته و ۱۴ تن را مجروح ساخته بودند.

سه تروریست مزبور اعتراف کردند که در پیشاور (پاکستان)، دوره آموزش فعالیت خرابکاری را زیر نظر مربیان آمریکایی و پاکستانی

مستقر در اردوگاه‌های ضدانقلابیون افغانی، گذارنده و پس از دریافت اسلحه، مهمات و نشریات ضدانقلابی به افغانستان فرستاده شده‌اند.

متهمین در مواجهه با دلایل و اسناد اکتارناپذیر از سوی دادستان اعتراف کردند که مرتکب جنایت علیه مردم افغانستان شده‌اند. هر سه تن توسط دادگاه به اعدام محکوم گردیدند.

آمریکادرتد ارک عملیات نظامی علیه نیکار اگوئه است

دانیل اورتگا رئیس جمهوری نیکار اگوئه طی یک سخنرانی رادیو تلویزیونی هشدار داد و اشنگتن در تدارک یک عملیات نظامی گسترده علیه نیکار اگوئه با هدف نابودی انقلاب مردمی ساندنیستی است.

اورتگا افزود مانورهای نظامی جاری ایالات متحده در آمریکای مرکزی با هدف تمرین اجرای یک عملیات برق آسا از خاک هندوراس، پاناما و خود آمریکا علیه نیکار اگوئه انجام می‌گیرد. وی همچنین آمریکا را متهم ساخت که در مناسبات میان نیکار اگوئه از یک سو، و کستاریکا و هندوراس از سوی دیگر اختلال می‌کند. اورتگا خاطر نشان ساخت برخی محافل در کستاریکا تسلیم فشار آمریکا شده و به اتحاد ضد نیکار اگوئه ای پیوسته‌اند.

محاکمه مخالفان رژیم نظامی پاکستان

در اسلام آباد محاکمه یک گروه از نظامیان که سال گذشته به اتهام "توطئه کودتا" دستگیر شده بودند، آغاز شد. این محاکمه در پشت درهای بسته انجام می‌گیرد. ۱۴ افسر ارتش، دو افسر پلیس و رضا کاظم، وکیل دعاوی مشهور، متهمین این محاکمه هستند. محاکمه در پایگاه نظامی "اتوک فورت" صورت می‌پذیرد.

زندان "اتوک فورت" پاکستان از بابت شکنجه‌های وحشیانه‌ای که پلیس امنیتی رژیم ضیادر آن به کار می‌بندد، شهرت شومی کسب کرده است. در جریان بازجویی، زندانیان را ساعت‌ها روی یخ

اتحاد کلیه نیروهای خلقی در نبردشان بر علیه ارتجاع حاکم حائز اهمیت فراوان است.

امروزه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در سازماندهی جنبش ضد جنگ مردم ایران و فروزان نگه داشتن شعله‌های انقلاب نقش حیاتی دارد و مبارزات طبقه کارگر را سازماندهی می‌کند. ما می‌دانیم که بسیاری از فدائیان در راه این مبارزه قهرمانانه، یا جان خود را در سیاهچالهای جمهوری اسلامی از دست داده‌اند و یا تحت شدیدترین شکنجه‌ها بسر می‌برند. مایلم در اینجا مہبتگی خود را با کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که چندی پیش یکی از اعضای مشاور خود، رفیق قربانعلی موذنی پور را در اثر شکنجه جلدان جمهوری اسلامی از دست داد ابراز کنم. ما اطمینان داریم که فدائیان خلق ایران (اکثریت) تحت رهبری کمیته مرکزی خود، همچنان مبارزه سرخستانه شان را برای دستیابی به صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی به پیش خواهند برد.

می‌خوابانند و با استفاده از شوک الکتریکی و سایر شیوه‌های وحشیانه، شکنجه می‌کنند. زندانیان از هر گونه تماس با جهان خارجی محرومند و محاکمات همگی مخفی است. اسرای این زندان معمولاً با اتهامات سنگین مواجهند و احکام سختی در انتظار آنهاست.

در محاکمات قبلی که در دادگاه‌های نظامی پاکستان انجام گرفت، ۶۲ نفر به حبس ابد و یک تن به اعدام با چوبه‌دار محکوم شده بودند. به گفته اقبال حیدر، رهبر جنبش برای اعاده دمکراسی "در پاکستان، صدها زندانی سیاسی در این کشور تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار دارند.

آفریقای جنوبی و اسرائیل رژیم سومالی را مسلح می‌کنند

"جنبه دمکراتیک برای آزادی سومالی" طی بیانیه‌ای که در نایروبی پایتخت کنیا منتشر شد، اعلام داشت آفریقای جنوبی و اسرائیل کمک نظامی خود را به رژیم مرتجع زیادبارة افزایش داده‌اند. در این بیانیه آمده است: هواپیماهای نظامی اسرائیل بطور مرتب محموله‌های حاوی اسلحه و مهمات به پایتخت سومالی و یک پایگاه نظامی می‌برند. نیروی هوایی آفریقای جنوبی نیز بنوبه خود پروازهای منظمی به سومالی داشته و اسلحه به آنجا حمل می‌کند. کارشناسان نظامی آفریقای جنوبی کار توسعه پایگاه دریایی و فرودگاه "کسیمایوی" سومالی را آغاز کرده‌اند. طبق یک قرارداد محرمانه همکاری نظامی که سال گذشته میان رژیم سومالی و نژاد پرستان آفریقای جنوبی به امضا رسید، این تاسیسات عمدتاً مورد استفاده نظامی قرار خواهد گرفت.

کارشناسان نظامی و غیر نظامی آفریقای جنوبی در "واهو" واقع در نزدیکی شهر "کسیمایوی" سومالی زندگی می‌کنند و ارتش سومالی حفاظت آنها را برعهده دارد. رژیم سومالی در مقابله با دریافت کمک نظامی، خاک خود را برای فرود آمدن هواپیماهای آفریقای جنوبی که عازم اسرائیل یا اروپای غربی هستند، در اختیار این کشور قرار داده است.

ادامه زد و خوردهای خونین در بیروت

نبرد بر سر کنترل اردوگاه‌های فلسطینی صبرا، شتیلا و برج البراجنه در بیروت وارد پنجمین هفته خود شد. شبه نظامیان امل طی حملات هفته گذشته خود به شتیلا و برج البراجنه از توپخانه سنگین، موشک انداز و تانک استفاده کردند. در جریان نبردهای هجدهم و نوزدهم خرداد، ۱۶ نفر کشته و ۲۲ تن زخمی شدند. بدین ترتیب، طبق آمار اولیه شده از سوی ایستگاه‌های رادیویی، شمار کل قربانیان این درگیری‌ها به ۵۲۴ کشته و ۲۰۰۰ مجروح رسید. بسیاری از مجروحین به علت نرسیدن به موقع کمک پزشکی جان خود را از دست می‌دهند.

هفته نامه شوروی "عصر جدید" در تفسیری پیرامون اوضاع لبنان تحت عنوان "خونریزی بی‌پایان" می‌نویسد: "صرف نظر از آن که چه کسی آتش افروز درگیری‌های فعلی بوده است، این درگیری‌ها به منافع ملی لبنان ضربه سنگینی وارد می‌آورند."

خواهان اعلام اقیانوس هند بعنوان منطقه عاری از سلاحهای اتمی و مخالف استقرار سلاحهای اتمی در دیه گوگاریا هستیم. وظیفه مادر مورد ایران نوشتن نامه و تلگراف به وزیر خارجه، نمایندگان کنکره و سنا، نمایندگان جمهوری اسلامی و اعتراض به اعدام و شکنجه میهن پرستان است. مادر این راه از میج کوشی فروگذار نمی‌کنیم و آنرا جزو وظایف بین‌المللی خود بشمار می‌آوریم.

* آیا پیامی برای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) دارید؟

** ما با مبارزات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) آشنایی داریم و بخوبی از نقش مهم و قاطعانه آن در پیروزی انقلاب فوریه ۱۹۷۹ آگاهیم. مبارزات شجاعانه سازمان شما در راه اتحاد کلیه نیروهای خلقی و در راس آن وحدت با حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران همیشه مورد تحسین ما بوده است. این وحدت به عنوان شالوده

مبارزه در راه صلح را گسترش دهیم!

بقیه از صفحه اول

آن‌ها اکنون که برخلاف پیش‌ناگزیر شده‌اند به وجود توده‌های خواستار صلح اعتراف نمایند، برای این که وجود کسانی را به عنوان دوستدار جنگ و کشتار اثبات کنند ناگزیر شده‌اند چنان مضحکه‌هایی بیافرینند که جز رسوایی بیشتر ره‌آوردی برایشان نداشته‌است. مضحکه راهپیمایی ۵ میلیونی در روز جمعه گذشته در تهران خالی شده از مردم، نمونه‌ای از آن‌بود.

مردم نفرت از جنگ را با هزار زبان فریاد کرده‌اند، رژیم هم چنان

یاد می‌یابد که در زمین فوتبال دانشگاه تهران امت ۵ میلیونی خواستار کشتار خود و عزایانشان شده‌اند. این گونه دروغ‌پردازی‌های بیشرمانه نشانه اوج درماندگی و بیچارگی است.

اکنون مبارزه علیه جنگ اعتلا می‌یابد و اشکال کارسازی به خود می‌گیرد. رژیم اگر چه عم چنان با کاربرد هر وسیله‌ای سعی دارد بر آن علیه کند، روز به روز ناتوان‌تر می‌شود.

ظاهراً دور دوم جنگ شهرها پایان یافته است اما جنگ پایان

نیافته است رژیم درمانده جمهوری اسلامی و همتایش در عراق هر لحظه‌ای که بتوانند آن را از سر می‌گیرند. تجربه گذشته نشان داده است که هر مرحله تازه جنگ، بغایت خوفناک‌تر، خونین‌تر و ویرانگرتر از مرحله پیشین بوده است. آنچه را که این دو رژیم تبهکار اکنون در تدارک آن هستند باز هم خونین‌تر و قساوت‌بارتر از کشتارهای هولناکی است که در این ماه صورت گرفته است.

باید با تمام توان در برابر آن بپاخاست. بر زمینه گسترده‌گی نفرت مردم ایران و جهان از این جنگ تبهکارانه و بر زمینه درماندگی بی‌حد این دو رژیم، امکانات مبارزه در راه

صلح از هر زمان دیگری مساعدتر شده است. از این امکانات مساعد در خارج از کشور نیز باید بهره گرفت؛ نباید پذیرفت که به خواست امپریالیسم و ارتجاع پیرامون این جنگ مهیب در جهان سکوت برقرار شود. مبارزه در راه صلح با آمال و منافع همه بشریت انطباق دارد.

گسترش مبارزه نیروهای مترقی ایرانی در خارج از کشور می‌تواند همبستگی بین‌المللی با مردم ایران را در مبارزه علیه جنگ گسترده‌تر سازد.

در این صورت خلق ما در مبارزه به خاطر صلح نیرومندتر می‌شود و کار رژیم خمینی و صدام در آغاز دور تازه کشتار دشوارتر می‌شود. در این راه باید از همه امکانات بهره گرفت.

تبهکارهای تازه رژیم، علیه زندانیان سیاسی

تبهکارها، و جنایات رژیم خمینی را حدی نیست. اینان نیز مانند رژیم شاه زندانیان سیاسی را گروگان خویش تلقی می‌کنند. اینان انتقام اوج گیری مبارزات توده برضد جنگ و خفقان و بی‌عدالتی را از فرزندان اسیر خلق می‌ستانند.

در دور پیشین جنگ شهرها نیز هم‌زمان با گسترش تظاهرات توده‌ای علیه جنگ، جلادان رژیم با یورش به بندهای اوین، زندانیان سیاسی را به شدت مورد ضرب و شتم قرار داده و مجروح و مضروب کردند.

گسترش تبلیغات و افشاکاری‌ها در میان مردم و مرگ آفرینی این اقدامات برای رژیم، خشم و سیبیت آنان را دامن زده است. این درنده‌خویی خود را به شکل تشدید فشار بر روی زندانیان و صدور احکام اعدام برای عده‌ای از آنان به نمایش گذاشته است.

همما با تشدید مبارزه در راه صلح و برای نابودی جنگ و جنگ‌افروزان باید با تمام قوا به افشای تبهکاری‌ها و طرح‌های جنایتکارانه رژیم در مورد زندانیان سیاسی پرداخت و با تمام قوا در جلب حمایت‌های گسترده‌تر ملی و بین‌المللی از فرزندان اسیر خلق کوشید.

رژیم سرکوبگر و خونریز خمینی مدام خود را نیازمند تشدید فشار بر مردم و اجراء مقصد جوشی‌های جدید می‌بیند. به هنگامی که رنج‌ها و ضایعات بی‌حدنشی از بمباران مناطق مسکونی بیشترین توجه را به خود مصروف داشته است، رژیم طرح‌ها و تبهکاری‌های شومی را در زندان‌ها دنبال می‌کند. بنا بر اخبار واصله هم‌زمان با آغاز مجدد جنگ شهرها فشار سیستماتیک جلادان رژیم بر زندانیان سیاسی به نحو لگام گسیخته‌ای افزایش یافته است. شکنجه‌ها افزایش بازم بیشتر یافته و شرایط زیستی آنان بیش از پیش به وخامت گراییده است. بسیاری از زندانیان سیاسی بدون هیچ گونه توضیحی به خانواده‌هایشان ممنوع‌الملاقات شده و گروهی نیز با آثار تازه‌ای از شکنجه و ضرب و جرح به ملاقات بستگانشان آمده‌اند.

برخی امکانات محدود دارویی و پزشکی ضرور و الزامی برای ادامه حیات زندانیان قلم گرفته شده است. قلم این امکانات، به ویژه در مورد زندانیانی که دچار عفونت‌های ناشی از شکنجه هستند و یا زندانیان سالخورده، معنایی جز اعدام تدریجی این زندانیان ندارد. در این زمینه اخبار و شواهد تکرار کننده‌ای نیز وجود دارد. زندانیان برآند تا با این گونه تبهکاری‌ها، بر اراده رزمجویان زندانیان سیاسی غلبه کنند.

جنگ جنگ

بخشی از فسیله مشهور
ملك الشعراى بهار

که تا ابد بریده باد نای او
کستد و شکسته بر و پای او
کز و بریده باد آشنای او
که کس امان نباید از بلای او
و ز استخوان کارگر غذای او
که جان برد ز صدمت عطای او
بهر دلی مهابت ندای او
بهر طرف کشیده نارهای او
فتد بجان آدمی عنای او
بملاق‌ها گره شود هرای او
زمانه بی‌نوا شود زُنای او
زبانگ توب و غرش و هرای او
بخون تازه گردد آسپای او
هزار گوش گر کند صدای او
بهر دلی شرتک جانگزی او
شکار اوست شهر و روستای او
اجل دوان چه جوچه از قنای او
بهدسی مصروف خوششمای او
لنگر کرکه، ابر مرکزای او
چیمبی آفریده در فضای او
زاشک و آه و بانگ‌های او
چو چشم شیر، لملکن قنای او
اجل دوان بسایه لوای او
بخون کشیده موزه و ردای او
تبهب مرگ و درد، دپل و دای او
چو بر شود نغیر کرنای او
سلطند و رنج و ابتلای او
فنای جنگبازگان دزای او
شرشت جنگبازه و بقای او
که آرمین است مقتدای او

فغان ز جغد جنگ و مرغزای او
بریده باد نای او و تا ابد
زمن بریده بار آشنای من
چه باشد از بلای جنگ سمیتر
شراب او ز خون مرد رنجبر
عمی زنده صلابی مرگ و نیست کس
همی دغد ندای خوف و می‌رسد
همی تند چو دیو پای در جهان
چو خیل مور، کرد یازه شکر
بهر زمین که باد جنگ برورد
در آژمان که نای حرب دردمد
بکوشا خروش تندر اوقند
جهان شود چو آسیا و دمیدم
رونده نانک، همچو کوه آتشن
همی خزد چو اژدها و درچکد
چو پر بکشد عقاب آفتن
نزار بینه هر دمی فرومند
کلنگ‌سان دژ برنده بلنگری
چو پاره پاره ابر کافکنده همی
بهر کرانه دستگامی آتشن
زدود و آتش و حریق و زلزله
برزنگه "خدای جنگ" بگذرد
اجل، جهان ز قصص سلاح وی
نهان بگرد، مغر و کلاه وی
بهر زمین که بگذرد بکشد
دو چشم و گوش دهر کور و کر شود
جهانخوران گنجبر به جنگ بر
بقای غول جنگ هست درد ما
ز غول جنگ و جنگبارگی پتر
الاحدر ز جنگ و جنگبارگی

شکفته مرز و باغ دلکشای او
فروع عشق و تابش و ضای او
حیات جاودانی و سفای او
بقای خلق بسته در فضای او
که دل برد سرود جانگزی او
چدا کنند سر به پیش پای او

AKSARIYAT
NO. 61
MONDAY JUNE, 17.85
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!